

بازخوانی خطبه پیامبر در غدیر خم

تحقیقی در متن خطبه بر اساس بیست منبع معتبر اقدم سنی و شیعه



محسن کدیور

۶ آبان ۱۳۹۶

عید غدیر خم ۱۸ ذیحجه سال دهم هجری یکی از روزهای کلیدی در تاریخ تشیع است. به‌باور شیعه در این روز پیامبر (ص) ولایت علی بن ابی طالب (ع) را رسماً به مسلمانان اعلام کرده است. این خطبه هفتاد روز قبل از وفات پیامبر (ص) در بازگشتش از آخرین حج در منطقه‌ای بین مکه و مدینه نزدیک جُحفه بنام غدیر خم در حضور انبوه حجاج که پرجمعیت‌ترین جمعیت مسلمانان در زمان حیات پیامبر بوده است ایراد شده است. شیعیان معتقدند تکلیف شاکله معرفتی اسلام و جانشینی سیاسی پیامبر (ص) در این روز تعیین شده است. اهل سنت ضمن پذیرش خطبه پیامبر (ص) در این مکان و زمان، مفاد آن را غیرمرتبط با شاکله معرفتی اسلام و جانشینی پیامبر (ص) می‌دانند. این نزاع چهارده قرن است ادامه دارد.

یکی از مهمترین منابعی که درباره واقعه غدیر خم از دو زاویه منابع اهل سنت و اشعار عربی نوشته شده مجموعه «الغدیر فی الکتاب والسنه والادب» نوشته عبدالحسین احمد امینی نجفی (م ۱۳۴۹ هجری شمسی) است. یازده جلد الغدیر منتشر شده (۱) و در آن حدیث غدیر خم از ۱۱۰ نفر از صحابه، ۸۲ نفر از تابعین و ۳۶۰ نفر از راویان حدیث نقل شده است. به‌علاوه اشعار عربی درباره غدیر خم از قرن اول قرن به قرن آورده شده است. الغدیر اگرچه کاری بزرگ است اما پایان تحقیق درباره غدیر خم نیست. بکارگیری «روش انتقادی» و «تحلیل تاریخی» زوایای دیگری درباره این واقعه مهم بر ما می‌گشاید.

بر اساس تحقیق امینی در الغدیر حدیث غدیر متواتر است. نخستین سوال از «متن این حدیث متواتر» است. به عبارت دیگر پیامبر (ص) در غدیر خم دقیقاً چه گفته است؟ سوالات بعدی این است: مسلمانان صدر اسلام از خطبه پیامبر چه فهمیدند؟ چرا فهم اکثر مسلمانان (اهل سنت) با فهم اقلیت (شیعه) در این مسئله کلیدی

این قدر متفاوت است؟ در این بحث می‌کوشم تنها به یک سوال به‌ظاهر ساده و در عمل دشوار پاسخ دهم: چگونه می‌توان به متن خطبه غدیر خم دست یافت؟ همان متنی که بین فریقین متواتر است و پیامبر یقیناً آن را بر زبان رانده است.

برای آن که به دشواری این سوال پی ببریم کافی است به متن خطبه غدیر در نخستین منابع معتبر موجود سنی و شیعه نظر کنیم (که در انتهای همین مقاله عرضه می‌شود). متن این خطبه در قرن سوم در منابع معتبر شیعه و سنی از «چهار خط» تجاوز نمی‌کند. حال آن که طول این خطبه در منابع شیعی قرن ششم بیش از بیست صفحه است. به‌عنوان نمونه کافی است به متن خطبه پیامبر (ص) در غدیر خم در کتب احتجاج طبرسی (۲) یا روضة الواعظین محمد بن فتال نیشابوری (۲) نظر بیندازیم. طی چهار قرن متن خطبه غدیر خم «هشتاد برابر» شده است!

برای دستیابی به متن مطمئنی از خطبه تاریخی غدیر خم بیست کتاب معتبر اقدم سنی و شیعه انتخاب کرده‌ام، از هر مذهب ده کتاب. دو ملاک در انتخاب کتابها مدّ نظر بوده است. یکی اعتبار هر کتاب نزد پیروان آن مذهب، و دیگری اقدم بودن آنها. صاحب سته اهل سنت و کتب اربعه شیعه جزء منابع اصلی است. به‌علاوه معتبرترین کتب اقدم فریقین در حدیث، سیره، و تاریخ به منابع اصلی روایی افزوده شده است. انتخاب عدد ده هم برای سهولت و امکان‌پذیری تحقیق در نخستین قدم است.

از این بیست منبع منتخب دو سوال ابتدایی پرسیده می‌شود: آیا واقعه غدیر خم در این کتاب معتبر اقدم مورد اشاره قرار گرفته است یا نه؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، پرسش بعدی این است: متن خطبه غدیر خم پیامبر در این منبع معتبر اقدم چیست؟ قدم بعدی مقایسه این متون با یکدیگر است. آیا با یک روایت غدیر خم مواجهیم یا با چند روایت؟ آیا نقل‌های اهل سنت با نقل‌های شیعه مشابه یا مختلف است؟ و در نهایت بر اساس این بیست منبع چه نقلی مطمئناً یا یقیناً قابل انتساب به پیامبر (ص) است؟

بعد از اینکه مفاد مطمئن یا یقینی خطبه پیامبر بدست آمد آن گاه نوبت به بحث در دلالت آن خطبه می‌رسد، که موضوع بحث دیگری است. به عبارت دیگر محصول این مقال تنها دست‌یابی به متن مطمئنی از خطبه غدیر خم پیامبر بر اساس بیست کتاب معتبر اقدم سنی و شیعه است، همین!

این بحث شامل دو بخش است. بخش اول خطبه غدیر خم در منابع اقدم اهل سنت و بخش دوم در منابع اقدم شیعه. در ابتدای هر دو بخش درباره علت انتخاب هر کتاب مختصراً توضیح داده شده، سپس کتبی که به خطبه غدیر خم نپرداخته‌اند معرفی می‌شوند. بالاخره مفاد خطبه غدیر خم در هر کتابی که آن را نقل کرده گزارش و تحلیل می‌شود. در انتهای هر بخش جمع‌بندی بحث در هر مذهب، و در انتها خاتمه بحث آمده است. از پیشنهاد و انتقادات اهل نظر استقبال می‌کنم.

بخش اول. غدیر خم در منابع اقدم اهل سنت

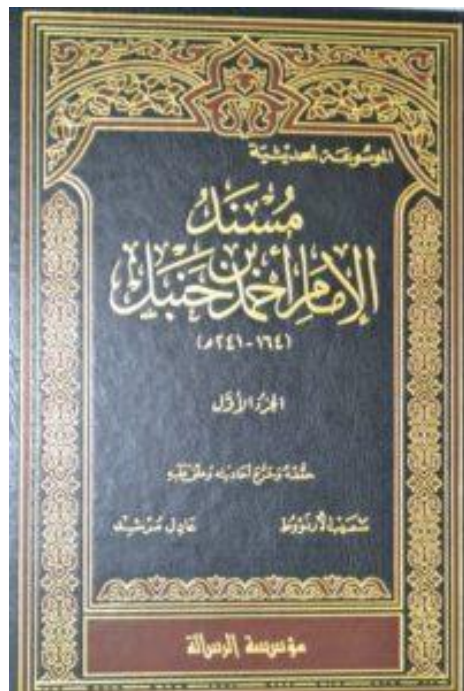
از منابع معتبر اقدم اهل سنت ده کتاب انتخاب شده است. سال وفات نویسندگان این کتابها همگی قبل از سال ۳۰۳ است، یعنی مولفان این کتابها در قرون دوم و سوم می‌زیسته‌اند. سه کتاب اصلی سیره و تاریخ، و هفت کتاب اصلی حدیث از جمله صحاح ستّه. عناوین این ده کتاب به ترتیب تاریخ وفات نویسندگان به شرح زیر است:

سیره ابن إسحاق (م ۱۵۰)، سیره ابن هشام (م ۲۱۸)، مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱)، صحیح بخاری (م ۲۵۶)، صحیح مسلم (م ۲۶۱)، سنن ابی داود (م ۲۷۵)، سنن ابن ماجه (م ۲۷۵)، سنن ترمذی (م ۲۷۹)، انساب الأشراف بلاذری (م ۲۷۹)، سنن کبرای نسائی (م ۳۰۳). پرسش اصلی این است: در کدام یک از این ده کتاب اشاره‌ای به واقعه غدیر خم شده و چه مقدار از خطبه رسول خدا (ص) در آن نقل شده است؟

از این ده کتاب معتبر اقدم، در چهار کتاب کمترین اشاره‌ای به واقعه غدیر خم به چشم نمی‌خورد: سیره ابن إسحاق، سیره ابن هشام، صحیح بخاری و سنن ابی داود. این چهار کتاب که دو سیره اصلی و دو کتاب از صحاح

بازخوانی خطبه پیامبر در غدیر خم

اما حداقل در شش کتاب دیگر اقدم اهل سنت اسمی از غدیر خم و عبارات مختصری از خطبه پیامبر (ص) درباره ولایت علی بن ابی طالب (ع) قابل مشاهده است. این کتابها به ترتیب تاریخ وفات نویسندگانشان عبارتند از: مسند احمد بن حنبل، صحیح مسلم، سنن ابن ماجه، سنن ترمذی، انساب الأشراف بلاذری، و سنن کبرای نسائی. این شش کتاب عبارتند از چهار کتاب از صحاح سته، یکی از معتبرترین کتب تاریخ و یک مجموعه حدیث اقدم از صحاح سته. نویسندگان این شش کتاب متوفای ۲۴۱ تا ۳۰۳ بوده اند، یعنی در کتب معتبر قرن سوم اهل سنت به واقعه غدیر خم و خطبه پیامبر در آن روز صریحا اعتراف شده است.



کتاب اول. مسند احمد بن حنبل

قدیمی‌ترین منبع معتبر اهل سنت که درباره واقعه غدیر خم عباراتی آورده است مسند امام احمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱) است. مسند احمد بن حنبل جزء صحاح سته نیست، اما او امام حنابله (یکی از چهار مدرسه کلامی فقهی اهل سنت) و شاخص‌ترین چهره اهل حدیث است، و کتاب او قبل از صحاح سته تالیف شده است. (۴) وی حداقل هفده حدیث در این باره نقل کرده است، احادیث وی در این زمینه به چند دسته بر اساس راوی اصلی قابل تقسیم است. در هر دسته جامع‌ترین متن را انتخاب کرده‌ام.

روایت اول: انشاد علی بن ابی طالب (ع) در رَحْبَة

علی بن ابی طالب (ع) در رَحْبَة (محلّه‌ای در کوفه) صحابه پیامبر را که بلاواسطه خطبه غدیر خم را از خود پیامبر (ص) در همان روز شنیده بودند سوگند داد و به گواهی طلبید تا آنچه به گوش خود شنیده و به چشم خود دیده‌اند شهادت دهند. جمعی از صحابه شهادت دادند. احمد بن حنبل هشت روایت مختلف را به شرح ذیل از واقعه مذکور با سند کامل آورده است: ۱. زاذان بن عمر، ۲. زیاد بن ابی زیاد، ۳. سعید بن وهب و عن زید بن یثیع، ۴. عمرو بن ذی مَرٍّ، ۵. زید بن ارقم، عبدالرحمن بن ابی لیلی (به دو طریق ۶. یزید بن ابی زیاد و ۷. سماک بن عبید بن الولید العبسی)، ۸. ابی الطفیل. از این هشت حدیث چهار حدیث را نقل می‌کنم:

حدیث نخست: عن زاذان بن عمر قال: سمعت علیاً فی الرَحْبَة و هو ینشد الناس: من شهد رسول الله (ص) یوم غدیر خم و هو یقول ما قال؟ فقام ثلاثه عشر رجلاً فشهدوا أنهم سمعوا رسول الله (ص) و هو یقول: «من کنت مولاه فعلی مولاه.» (۵)

ترجمه: زاذان بن عمر گفت: شنیدم علی (علیه السلام) مردم را در رَحْبَة (محلّی در کوفه) قسم می‌داد به آنچه در زمان رسول خدا (ص) در غدیر خم شاهد بوده‌اند تا گفتار پیامبر را در غدیر بازگو کنند. پس سیزده

بازخوانی خطبه پیامبر در غدیر خم

نفر برخاستند و شهادت دادند که از رسول خدا (ص) شنیده‌اند که می‌فرمود: هرکس که من مولای او هستم پس علی هم مولای اوست.

حدیث دوم: یزید بن ابی زیاد عن عبدالرحمن بن ابی لیلی قال شهدت علیا (رضی الله عنه) فی الرحبة ینشد الناس، أنشد الله من سمع رسول الله (ص) یقول یوم غدیر خم: من كنت مولاه فعلى مولاه لما قام فشهد. قال عبدالرحمن: فقام اثنا عشر بدريا كأنی أنظر إلى أحدهم، فقالوا نشهد أنا سمعنا رسول الله (ص) یقول یوم غدیر خم: ألسن أولى بالمؤمنین من أنفسهم و أزواجی أمهاتهم. فقلنا بلی یا رسول الله. قال: فمن كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. (۶)

ترجمه: عبدالرحمن بن ابی لیلی روایت می‌کند: علی را در روز رحبه دیدم که مردم را سوگند داد و به گواهی طلبید و می‌گفت: تنها کسی بپاخیزد و شهادت دهد که خود پیامبر (ص) را در آن حال دیده باشد. عبدالرحمن می‌گوید: دوازده نفر از کسانی که در بدر شرکت داشتند برخاستند. گویا من هم اکنون به آنها می‌نگرم. گفتند: ما گواهی می‌دهیم روز غدیر خم از پیامبر (ص) شنیدیم که می‌گفت: آیا من نسبت به مؤمنان از خودشان اولی نیستیم؟ و همسرانم مادرانشان نیستند؟ گفتیم: بلی. گفت: هرکس که من مولای اویم پس علی هم مولای اوست.

حدیث سوم: در روایت سماک بن عبید بن الولید العبسی از عبدالرحمن ابی لیلی این دو دعا و ذیل را اضافه دارد: وانصر من نصره واخذل من خذله. فقام ألا ثلاثة لم یقوموا، فدعا علیهم فأصابتهم دعوته. (۷) و یاری کن آن که او را یاری می‌کند و خوار کن آن که او را خوار می‌کند. پس همه جز سه نفر برخاستند. پس آنها را نفرین نمود و به نفرین او گرفتار شدند.

حدیث چهارم: عن أبی الطفیل قال: جمع علی (رضی الله تعالی عنه) الناس فی الرحبة، ثم قال: اللهم أنشد الله کل امری مسلم سمع رسول الله (ص) یقول یوم غدیر خم ما سمع، لمّا قام، فقام ثلاثون من الناس و قال أبونعیم:

بازخوانی خطبه پیامبر در غدیر خم

فقام ناس كثير، فشهدوا حين أخذه بيده فقال للناس: «أتعلمون أني أولى بالمؤمنين من أنفسهم» قالوا نعم يا رسول الله. قال: «من كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه». قال: فخرجت و كأن في نفسي شيئا، فلقيت زيد بن أرقم، فقلت له: أني سمعت عليا (رضي الله عنه) يقول كذا و كذا، قال: فما تُنكر، قد سمعت رسول الله (ص) يقول ذلك له. (٨)

ترجمه: علی (رضی الله عنه) مردم را در رحبه جمع نمود سپس فرمود: خدا را به گواهی می‌طلبم و از هر مسلمانی که در روز غدیر خم بوده می‌خواهم که برخیزد و آنچه را از پیامبر (ص) شنیده، بازگوید. سی نفر برخاستند و ابونعیم می‌گوید مردم زیادی برخاستند و شهادت دادند که پیامبر (ص) در آن روز دست علی را گرفت و به مردم گفت: آیا می‌دانید که من نسبت به مؤمنان از خودشان اولی هستم؟ گفتند بلی ای رسول خدا. ایشان گفت: هر کس که من مولای اویم پس علی نیز مولای اوست. ابوطفیل می‌گوید: من از رحبه خارج شدم، در حالی که در قلبم چیزی بود (برایم سؤالی مطرح بود) لذا زيد بن أرقم را ملاقات کردم و به او گفتم من از علی (رضی الله عنه) شنیدم که چنین و چنان می‌گفت. زيد گفت: انکار نکن. من هم از پیامبر (ص) همین مطلب را درباره وی شنیدم.

بررسی: روایت ابی طفیل صحیح است. متن حدیث زاذان بن عمر هم صحیح است. متن دو حدیث عبدالرحمن بن ابی لیلی حسنه است. متن خطبه غدیر خم پیامبر بنابر روایت صحیح ابی طفیل و حسنه عبدالرحمن بن ابی لیلی (به نقل یزید بن ابی زیاد) با تفاوت جزئی عبارتی این است: «ألست أولى بالمؤمنين من أنفسهم» قالوا نعم يا رسول الله. قال: «من كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه». روایت صحیح زاذان بن عمر فاقد دو دعاست. در مقابل روایت عبدالرحمن بن ابی لیلی (به نقل العبسی) این دو دعا را اضافه دارد: «وانصر من نصره واخذل من خذله».

تعداد صحابه‌ای که به شهادت دادن برخاستند متفاوت نقل شده است: سی نفر (نقل خود ابی طفیل) و مردم زیادی برخاستند و شهادت دادند (به گفته ابونعیم هر دو در صحیح ابی طفیل)، سیزده نفر (روایت زاذان بن

عمر)، دوازده نفر از کسانی که در بدر شرکت داشتند (حسنه عبدالرحمن ابی لیلی به نقل یزید بن ابی زیاد)؛ همه جز سه نفر برخاستند (روایت عبدالرحمن ابی لیلی به نقل العبسی). محل وقوع این گفتگو در رحبه از محلات کوفه است. علی بن ابی طالب (ع) در زمان خلافت خود در این شهر بوده است. بنابراین به احتمال زیاد زمان وقوع گفتگو بین سالهای ۳۵ تا ۴۰ هجری است.

روایت دوم. روایت ابویوب و دیگر انصار در رحبه

عن ریح بن الحرث قال: جاء رهط إلی علی بالرحبة، فقالوا: السلام علیک یا مولانا. قال: کیف أکون مولاکم و أنتم قوم عرب؟ قالوا: سمعنا رسول الله (ص) یوم غدیر خم یقول: «من کنت مولاه فإن هذا مولاه» قال ریح: فلما مضوا تبعتهم، فسألت من هولاء؟ قالوا: نفر من الانصار فیهم أبویوب الأنصاری. (۹)

گروهی نزد علی آمدند و گفتند: السلام علیک یا مولانا. [علی] گفت: من چگونه مولای شمایم در حالی که شما گروهی از عرب هستید؟ پاسخ دادند: ما روز غدیر خم از رسول خدا (ص) شنیدیم که گفت: «هرکس که من مولای اویم، به راستی که این شخص [علی بن ابی طالب] مولای اوست.» ریح می گوید: وقتی آنها رفتند من آنها را تعقیب کردم، پرسیدم اینها کیستند؟ گفتند: عده ای از انصارند که ابویوب انصاری در بین آنها است.

بررسی: روایت ریح بن الحرث صحیح است. خالد بن زید بن کلیب بن نجار مشهور به ابویوب انصاری (م ۵۲) از کبار صحابه پیامبر (ص) و از أصحاب امیرالمؤمنین (ع) همان کسی است که به رغم اصرار دیگران پیامبر (ص) در هجرت تاریخی خود به مدینه در منزل او فرود آمد. ابویوب از السابقون در بدر، احد و خندق بوده است. شهادت ابویوب انصاری اعتبار خاصی به این حدیث صحیح داده است. گروهی از انصار در رحبه کوفه با استناد به خطبه پیامبر (ص) در غدیر خم علی بن ابی طالب (ع) را مولای خود خطاب کرده‌اند. در صحیح ریح بن الحرث تنها یک جمله از خطبه غدیر خم پیامبر روایت شده است: «من کنت مولاه فإن هذا مولاه»

روایت سوم. روایت براء بن عازب

عن عدی بن ثابت عن البراء بن عازب قال كنا مع رسول الله (ص) في سفر، فنزلنا بغدير خم، فنودي فينا الصلاة جامعة، وكُسح لرسول الله (ص) تحت شجرتين، فصلى الظهر، وأخذ بيد علي (رضي الله تعالى عنه) فقال: «ألستم تعلمون اني أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟» قالوا بلى. قال: «ألستم تعلمون اني أولى بكل مؤمن من نفسه؟» قالوا بلى. قال فأخذ بيد علي، فقال: «من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه.» قال فلقبه عمر بعد ذلك فقال له: هنيئاً يا ابن أبي طالب، أصبحت وأمست مولى كل مؤمن ومؤمنة. (١٠)

ترجمه: براء بن عازب (به نقل عدی بن ثابت): ما با پیامبر (ص) بودیم. در غدیر خم فرود آمدیم. ندای نماز جماعت داده شد. برای پیامبر (ص) جائی در زیر دو درخت تهیه شد، آن حضرت نماز ظهر گزارد و پس از آن دست علی (رضی الله عنه) را گرفت و گفت: آیا نمی دانید که من به مؤمنان از خودشان اولی هستم؟ گفتند: بلی. [دوباره] پرسید: آیا نمی دانید که من به هر مؤمنی از خودش اولی هستم؟ گفتند: بلی. آنگاه دست علی را گرفت و فرمود: هرکس من مولای او هستم، علی مولای او است. خداوندا دوست بدار کسی که او را دوست می دارد و دشمن بدار آن کس که او را دشمن می دارد. پس از آن عمر [بن خطاب]، علی را ملاقات کرد و به او گفت: گوارا باد بر تو ای فرزند ابوطالب که مولای هر مرد مؤمن و زن مؤمنه ای شدی.

بررسی: احمد بن حنبل روایت دیگری با همین مضمون و از همین راوی از براء بن عازب نقل کرده است (١١) متن این دو روایت صحیح محسوب می شوند. در این روایت مکان خطبه پیامبر غدیر خم و زمان آن بعد از نماز ظهر است. متن خطبه پیامبر به روایت براء بن عازب: «ألستم تعلمون اني أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟» قالوا بلى. قال: «ألستم تعلمون اني أولى بكل مؤمن من نفسه؟» قالوا بلى. قال فأخذ بيد علي، فقال: «من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه.» این متن همان متن روایات دسته اول است، با اضافه تاکیدى این سوال پیامبر: «ألستم تعلمون اني أولى بكل مؤمن من نفسه؟» در روایت براء بن عازب به تبریک غلیظ عمر بن خطاب به علی بن ابی طالب در زمره خوشامد صحابه برای نخستین بار اشاره شده است.

روایت چهارم. روایت اول زید بن ارقم

احمد بن حنبل دو روایت متفاوت از زید بن ارقم به عنوان خطبه غدیر خم نقل کرده است. احتمال اینکه این دو روایت دو قطعه از خطبه مذکور باشند منتفی نیست. روایت اول زید بن ارقم نیز با سه حدیث کمی متفاوت نقل شده است، به نقل عطیة کوفی، و دو نقل متفاوت میمون ابی عبدالله. تفاوت اصلی این سه حدیث درباره دعاهای ذیل ولایت علی بن ابی طالب (ع) است. هر سه حدیث را در اینجا می آورم:

حدیث اول: عطیة کوفی عن زید بن ارقم: کنا بالجحفة، فخرج رسول الله (ص) ألبنا ظهرا و هو أخذ بعضد علی (رضی الله تعالی عنه) فقال یا ایها الناس أستم تعلمون أنى أولى بالمؤمنین من أنفسهم؟ قالوا بلی. قال فمن كنت مولاه فعلى مولاه. قال فقلت له: هل قال اللهم وال من والاه و عاد من عاداه؟ قال إنما أخبرک كما سمعت. (۱۲)

ترجمه: زید بن ارقم (به نقل عطیه کوفی): ما در جحفه بودیم پس در هنگام ظهر رسول خدا (ص) به سوی ما آمد در حالی که بازوی علی (رضی الله عنه) را گرفته بود. سپس فرمود: ای مردم آیا می دانید من نسبت به مؤمنان از آنها اولی هستم؟ گفتند: آری. فرمود: پس هرکس که من مولای اویم علی هم مولای اوست. پس به او گفتم؛ آیا پیامبر (ص) [این را هم] گفت: خدایا دوست بدار آن کس را که او دوست می دارد و دشمن بدار کسی را که با او دشمنی کند؟ [زید] پاسخ داد: به راستی که من همان گونه که شنیده بودم برای تو بازگو نمودم.

حدیث دوم: عن میمون ابی عبدالله قال زید بن أرقم و انا اسمع: نزلنا مع رسول الله (ص) بواد یقال له: وادی خم، فأمر بالصلاة فصلّاها بهجیر، قال: فخطبنا، وظلل لرسول الله (ص) بثوب علی شجرة سمره من الشمس، فقال رسول الله: «أستم تعلمون؟ أستم تشهدون أنى أولى بكل مؤمن من نفسه؟» قالوا: بلی، قال: «فمن كنت مولاه فإنّ علیاً مولاه، اللهم عاد من عاداه، ووال من والاه.» (۱۳)

ترجمه: با رسول خدا (ص) در وادی فرود آمدیم که به آن وادی خم می گفتند. پس به نماز امر نمود و در آن گرمای سخت نماز گزارد. برای پیامبر(ص) پارچه ای را بر درختی افکندند تا سایه شود، ایشان برای ما خطبه خواند. گفت: آیا نمی دانید و آیا شهادت نمی دهید که من نسبت به هر مؤمنی از خودش اولی هستم؟ گفتند: بلی. فرمود: پس هر کس من مولای او هستم علی مولای او است. خداوندا دوست بدار آن کس که او را دوست می دارد و دشمن بدار آن کس که او را دشمن می دارد.

حدیث سوم: میمون ابی عبدالله قال: كنت عند زيد بن ارقم فجاء رجل من اقصى الفسطاط فسأله عن ذا. فقال ان رسول الله (ص) قال: «الست اولی بالمؤمنین من انفسهم؟ قالوا: بلی. قال: «من كنت مولاه فعلى مولاه» قال میمون: فحدثنی بعض القوم عن زيد ان رسول الله (ص) قال: اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. (۱۴)

ترجمه: نزد زيد بن ارقم بودم که مردی از راه دور از شهر فسطاط [مصر به مدینه] آمد. پس [مسافر] از آن مسئله [خطبه غدیر خم پیامبر از زيد بن ارقم] پرسید. گفت: رسول خدا (ص) [در آن روز] گفت: آیا من از مومنان بر خودشان اولی نیستم؟ گفتند: بله. گفت: هر کس من مولای او هستم پس علی مولای او است. راوی می گوید: دیگران از زيد بن ارقم برایم روایت کردند که پیامبر (ص) در [ادامه] گفته است: خداوندا دوست بدار آن کس که او را دوست می دارد و دشمن بدار آن کس که او را دشمن می دارد.

بررسی: متن هر سه حدیث زيد بن ارقم با توجه به شواهد و طرق صحیح است، هر چند در سند هریک به دلیل یک راوی مناقشاتی شده است. در هر سه حدیث زيد بن ارقم قسمت اول خطبه غدیر با تفاوت جزئی عبارتی که هیچ خللی به معنای واحد نمی زند اینگونه روایت شده است: «یا ایها الناس أستم تعلمون أنى أولى بالمؤمنین من أنفسهم؟ قالوا بلی. قال فمن كنت مولاه فعلى مولاه.» در حدیث نخست (به نقل عطیه کوفی) زيد بن ارقم دعای «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» را از پیامبر نشنیده است. در حدیث دوم (نقل اول میمون ابی عبدالله) زيد بن ارقم این دعا را از پیامبر شنیده است! در حدیث سوم (نقل دوم میمون ابی عبدالله) راوی این دو دعا را مستقیماً از خود زيد بن ارقم نشنیده، اما غیرمستقیم آن دو را از وی شنیده است. البته دو

نقل میمون ابی عبدالله مزبوط به دو واقعه متفاوت است، در یکی زید به مسافری از شهر فسطاط پاسخ می‌دهد در حالی که در دیگری پرسنده چنین کسی نیست. از سه حدیث مذکور در حدیث نخست بجای اسم غدیر خم جحفه ذکر شده است. البته غدیر خم نزدیک جحفه می‌باشد. در حدیث دوم به وادی خمّ بجای تصریح به غدیر خم اشاره شده است. در حدیث سوم با اسم اشاره رمزی «ذا» از آن یاد شده است! حدیث اول زید بن ارقم (به نقل عطیه کوفی) با روایت دوم (ابویوب انصاری) سازگار است، حال آن که حدیث دوم و سوم زید بن ارقم (به هر دو نقل میمون ابی عبدالله) با روایت‌های اول (انشاد علی بن ابی‌طالب در رحبه) و سوم (روایت براء بن عازب) سازگار است.

روایت پنجم. روایت دوم زید بن ارقم

یزید بن حیان التیمی قال زید بن ارقم: قام رسول الله (ص) یوما خطیبا فینا بماء یدعی خمّا بین مکة و والمدینة فحمدالله تعالی و اثنی علیه ووعظ و ذکر ثم قال: «اما بعد الا یا ایها ایها الناس انما انا بشر یوشک ان یتینی رسول ربی عزوجل فاجیب و انی تارک فیکم الثقلین اولهما کتاب الله عزوجل فیه الهدی والنور فخذوا بکتاب الله واستمسکوا به» فحث بکتاب الله ورغب فیه. قال: «واهل بیتی، اذکرکم الله فی اهل بیتی، اذکرکم الله فی اهل بیتی، اهل بیتی، اذکرکم الله فی اهل بیتی». (۱۵) سپس در پاسخ حصین بن سبره نظر خود را درباره مصداق اهل بیت اعلام می‌کند).

ترجمه: رسول خدا روزی در کنار آبی بنام خمّ بین مکة و مدینه به ایراد خطبه برخاست و بعد از حمد و ثنای خداوند، و موعظه و تذکر گفت: ای مردم آگاه باشید، من [مثل شما] بشرم، نزدیک است که رسول پروردگارم [ملک الموت] فرارسد و من او را اجابت کنم، پس من بین شما دو چیز گرانبها به ودیعت می‌گذارم، اولین آن دو کتاب خدا، در آن هدایت و نور است. پس کتاب خدا را بگیرید و به آن چنگ زنید. سپس بر تمسک به کتاب

بازخوانی خطبه پیامبر در غدیر خم

خدا تشویق و ترغیب نمود. سپس [در معرفی ثقل دوم] فرمود: اهل بیتم. خدا را در اهل بیتم بیاد داشته باشید. (سه بار این عبارت را از باب تاکید بر زبان راند)

بررسی: این روایت به شرط مسلم صحیح است. توضیح اینکه متن این روایت عینا متن روایتی از همین راوی در صحیح مسلم است که خواهد آمد. متن خطبه غدیر خم پیامبر (ص) در روایت دوم زید بن ارقم همان حدیث مشهور ثقلین است. ابتدا پیامبر (ص) رحلت قریب الوقوع خود را خبر می‌دهد. سپس وصیت معنوی خود را اعلام می‌کند: عمل به کتاب خدا و اهل بیت پیامبر. پیامبر (ص) بعد از تشویق به تمسک به قرآن، عمل به تعالیم عترت را از باب اهمیت سه بار تاکید می‌کند. در حقیقت پیامبر عمل به سنت خود را از طریق اهل بیتش موکداً به پیروان خود توصیه می‌کند. در هر چهار روایت نخست بخش نخست خطبه غدیر خم بدستمان رسید. در روایت پنجم بخش دوم همان خطبه عرضه شده است. در حقیقت راویان در هر دو دسته روایات بخشی از خطبه پیامبر (ص) را روایت کرده بودند نه تمام آن را. خصوصاً زید بن ارقم هر دو بخش خطبه را روایت کرده است. احتمال دیگر این است که پیامبر حدیث ثقلین را در غیر غدیر خم در منازل دیگر حجة الوداع از قبیل عرفه هم بر زبان رانده باشد.

روایت ششم. روایت ابوسعید خدری

عن عطیة عن ابي سعيد [الخدری] قال: قال رسول الله (ص) انی تارک فیکم الثقلین احدهما اکبر من الآخر کتاب الله ممدود من السماء الی الارض وعترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض. (۱۶)
ترجمه: من بین شما دو چیز گرانبها به ودیعت می‌گذارم، یکی بزرگتر از دیگری است: کتاب خدا که بین آسمان و زمین کشیده شده است، و [دیگری] عترتم اهل بیتم. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر من بر حوض [کوثر] وارد شوند.

بررسی: حدیث فی الجمله با شواهدش صحیح است. این مضمون کلی (نه در جزئیات) همان روایت زید بن ارقم (روایت پنجم) است که در صحیح مسلم و سنن نسائی با سند صحیح خواهد آمد. در روایت ابوسعید خدری اشاره‌ای به خطبه غدیر خم نشده و اسمی از غدیر خم به میان نیاورده است. آیا این وصیت تاریخی را پیامبر یک بار آن هم در غدیر خم با مسلمانان در میان گذاشت؟ محتمل است. احتمال دیگر این است که حدیث ثقلین در غیر غدیر خم هم در منازل دیگر حجة الوداع از جمله در روز عرفه ابراز شده باشد. مشترکات متن روایت پنجم و ششم اینهاست: انی تارک فیکم الثقلین، الثقل الاول کتاب الله، الثقل الثانی اهل بیتی. اما مفترقات: اختصاصات روایت زید بن ارقم: (۱) الا یا ایها ایها الناس انما انا بشر یوشک ان یاتینی رسول ربی عزوجل فاجیب؛ (۲) کتاب الله عزوجل فیہ الهدی والنور فخذوا بکتاب الله واستمسکوا به؛ (۳) اذکرکم الله فی اهل بیتی (سه بار). اختصاصات روایت ابوسعید خدری: (۱) احدهما اکبر من الآخر کتاب الله ممدود من السماء الی الأرض؛ (۲) وعترتی (به علاوه اهل بیتی)؛ (۳) بیتی وانهما لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض. این دو روایت از حدیث ثقلین است نه یک روایت.

جمع‌بندی روایات مسند احمد بن حنبل درباره غدیر خم

احمد بن حنبل در مسند خود که قدیم‌ترین منبع این تحقیق است مجموعاً هفده روایت درباره غدیر خم در ضمن مسند علی بن ابی طالب، مسند ابی سعید الخدری، حدیث ابی ایوب الانصاری، مسند الکوفیین: حدیث زید بن ارقم و حدیث براء بن عازب نقل کرده است. حدود نیمی از این روایات در مسند علی بن ابی طالب آمده و کمی بیش از یک چهارم آنها در حدیث زید بن ارقم. مطابق موازین رجالی اهل سنت در میان این هفده روایت متن اغلب آنها صحیح محسوب می‌شود، و حداقل دو تا از آنها علاوه بر متن در اسناد هم صحیح است: روایت ابی طفیل از انشاد علی بن ابی طالب در رحبة و روایت ریاح بن الحرث از ابی ایوب انصاری. (۱۷)

احمد بن حنبل دو دسته روایت درباره خطبه غدیر خم در مسندش آورده است: دسته اول حدیث ولایت علی بن ابی طالب یعنی «أَتَعْلَمُونَ أَنِّي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» قالوا نعم یا رسول الله. قال: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادَ مِنْ عَادَاهُ» با چهار روایت: انشاد علی بن ابی طالب در رحبه، روایت ابی ایوب و دیگر انصار در رحبه، روایت براء بن عازب، روایت اول زید بن ارقم. این چهار روایت هم خود به دو گونه تقسیم می‌شوند: گونه اول متن جامع شامل استفهام از اولویت پیامبر بر مومنان نسبت به خودشان، ولایت علی بن ابی طالب و حداقل دو دعا در حق دوستداران و بدخواهان وی. گونه دوم حدیث ولایت علی بن ابی طالب منهای استفهام صدر آن و دعاها ی ذیل آن. گونه دوم در سه حدیث آمده: روایت دوم (ابی ایوب انصاری)، حدیث نخست از روایت اول (نقل اذان بن عمر از انشاد علی در رحبه) و حدیث نخست از روایت چهارم (روایت اول زید بن ارقم به نقل عطیه کوفی) و دوازده حدیث دیگر دسته اول همگی منطبق بر گونه اول هستند یعنی متن جامع شامل سه قسمت استفهام، حدیث ولایت علی و حداقل دو دعا. تنها در یک حدیث بجای دو دعا چهار دعا نقل شده است: حدیث سوم روایت اول.

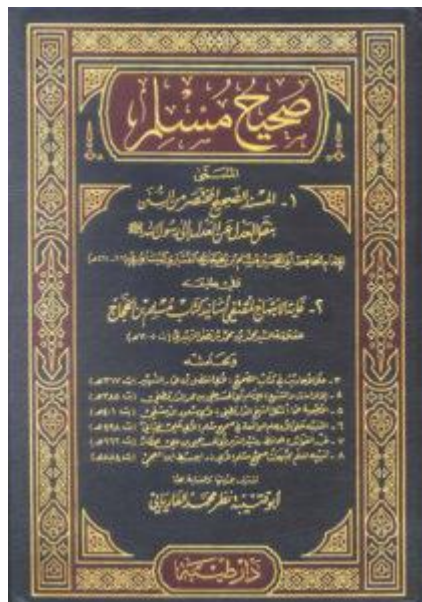
دسته دوم حدیث ثقلین است که تنها در دو روایت پنجم و ششم آمده است. متن این دو روایت با هم در سه نکته اصلی مشابهت دارد اما هر یک در سه نکته دیگر متمایز هستند. در مسند احمد بن حنبل حدیثی که جامع هر دو دو دسته باشد یعنی هم حدیث ولایت علی بن ابی طالب و هم حدیث ثقلین نقل نشده است. با توجه به منابع بعدی می‌توان گفت خطبه غدیر خم در قرن سوم دو قسمت داشته: حدیث ولایت علی بن ابی طالب و حدیث ثقلین. احمد بن حنبل هر دو را مستقلاً روایت کرده، اما حدیثی جامع هر دو قسمت در کتاب وی به چشم نمی‌خورد. به عبارت دیگر هریک از راویان پیش‌گفته قسمتی از این خطبه را روایت کرده‌اند. احتمال اینکه حدیث ثقلین در غیر غدیر خم هم در منازل دیگر حجة الوداع ابراز شده باشد منتفی نیست.

در چهار روایت از شش روایت احمد بن حنبل به اسم غدیر خم تصریح شده است. در یکی (حدیث اول از روایت چهارم) بجای آن جحفه آمده است. در روایت ابی سعید خدری (و حدیث سوم از روایت چهارم) هیچ اسمی از

بازخوانی خطبه پیامبر در غدیر خم

غدیر خم به میان نیامده است. تنها در یک روایت (روایت براء بن عازب) به تبریک عمر بن خطاب به علی بن ابی طالب در زمره خوشامد صحابه اشاره شده است.

مسند احمد بن حنبل از چند حیث در خطبه غدیر خم از منظر مسلمانان اهل سنت اهمیت تعیین کننده دارد: اول. اقدمیت، دوم. تنوع روایات (شش روایت مختلف)، سوم. کثرت روایات: هفده روایت. در منابع پنج گانه بعدی همواره هر منبع با منابع قبلی مقایسه خواهد شد.



کتاب دوم. صحیح مسلم

صحیح مسلم بن حجاج نیشابوری (۲۶۱-۲۰۶) یکی از دو کتاب اصلی روایی اهل سنت است، که از آن و صحیح بخاری با عنوان صحیحین یاد می شود. امام مسلم نیشابوری واقعه مورد نظر را در چهار حدیث با مضمون بسیار مشابه نقل کرده است، (۱۸) به نقل یکی اکتفا می کنم:

یزید بن حیان عن زید بن ارقم: قام رسول الله (ص) یوما فینا خطیبا بماء یدعی خما بین مکة والمدینة فحمد الله وأثنی علیه ووعظ وذكر ثم قال: اما بعد، الا أیها الناس فإنما انا بشر یوشک ان یأتی رسول ربی فأجیب وانا تارک فیکم ثقلین أولهما کتاب الله فیه الهدی والنور فخذوا بکتاب الله واستمسکوا به فحثّ علی کتاب الله ورغب فیه ثم قال وأهل بیتی أذکرکم الله فی أهل بیتی أذکرکم الله فی أهل بیتی أذکرکم الله فی أهل بیتی. (۱۹)

بررسی: سند این روایت صحیح است. در آن به خطبه پیامبر (ص) در آبگیر خم بین مکه و مدینه تصریح شده است. حدیث ثقلین به عنوان مضمون خطبه غدیر خم با تصریح به اهل بیت به عنوان ثقل دوم نقل شده است. در آن سه بار به رعایت حق اهل بیت از زبان پیامبر (ص) تاکید شده است. این روایت عینا همان روایت یزید بن حیان التیمی از زید بن ارقم (روایت پنجم) مسند احمد بن حنبل است، که متن و ترجمه آن گذشت.

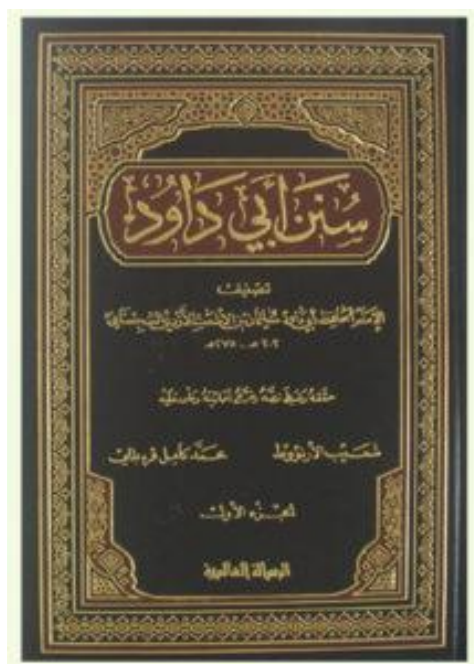
البته مسلم در کتاب حج در باب حجة النبی (ص) «عن حاتم بن اسماعیل المدنی عن جعفر بن محمد عن ابیه عن جابر بن عبدالله» از خطبه پیامبر در انتهای مراسم حج، حدیث ثقلین را اینگونه نقل کرده است: «وقد ترکت فیکم ما لن تضلوا بعده ان اعتصمتم به، کتاب الله، و انتم تسألون عنی، فما انتم قائلون؟ قالوا: نشهد انک قد بلغت و ادیت و نصحت. فقال باصبعه السبابة یرفعها الی السماء و ینکتها الی الناس: اللهم اشهد، اللهم اشهد، ثلاث مرات.» (۲۰) [بعد از خود] چیزی را بجا می‌گذارم که اگر به آن تمسک جوئید هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و از من پرسیده می‌شوید. پس چه خواهید گفت؟ مردم پاسخ دادند: شهادت می‌دهیم که شما [رسالت خود را] ابلاغ و ادا کرده و خیرخواهی نمودید. در حالی که انگشت اشاره خود به آسمان بلند کرده بود به‌سوی مردم نشانه رفته بود به آن سه بار گفت: خدایا تو شاهد باش.

حتی اگر پیامبر (ص) در حجة الوداع بیشتر از یک بار حدیث ثقلین را مطرح کرده باشد، که احتمالش منتفی نیست، آیا ممکن است در طول کمتر از ده روز ثقل دوم از اساس تغییر کرده باشد؟! اگر دو نقل متفاوت این حدیث در کتاب حج و کتاب فضائل صحیح مسلم را با هم مقایسه کنیم و تاکید سه باره پیامبر (ص) را در هر دو کنار هم بگذاریم، این ظن قوی ایجاد می‌شود که در نقل خطبه پیامبر در کتاب حج کلمه‌ای کلیدی افتاده

بازخوانی خطبه پیامبر در غدیر خم

است و آن عترت و اهل بیت پیامبر (ص) است، همان که پیامبر (ص) بر طبق نقل خود مسلم در کتاب فضائل صحابه سه بار تاکید کرد: «أذكرکم الله فی أهل بیتی». این ظن تبدیل به اطمینان می‌شود وقتی به راوی روایت کتاب حج در صحیح مسلم توجه کنیم: جعفر بن محمد (امام صادق) عن ابیه (امام محمد باقر) عن جابر بن عبدالله (انصاری). آیا این سه نفر حدیث ثقلین را اینگونه از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند؟! مقایسه این عبارت پیامبر (ص) به نقل همین سه راوی در سنن ترمذی بسیار عبرت آموز است. روایت جابر بن عبدالله در سنن ترمذی در دنبال می‌آید. این افتادگی و حذف یا در سلسله راویان پائینی این روایت یا از جانب مولف صورت گرفته است. راستی امام مسلم این دو موضع کتاب خود را مقایسه نکرده است؟ خداوند به حقیقت امر آگاه است.

امام مسلم نیشابوری از حدیث ولایت علی بن ابی طالب کلمه‌ای در صحیح خود نقل نکرده و به نقل حدیث ثقلین از خطبه غدیر خم اکتفا کرده است. همتای او امام بخاری در صحیح خود ترجیح داده از خطبه غدیر خم پیامبر هیچ نقل نکند و آن را مطلقا نادیده بگیرد. باز به نیمه‌انصاف امام مسلم در نقل نیمی از خطبه غدیر خم پیامبر (ص) باید آفرین گفت.



کتاب سوم. سنن ابی داود

سلمیان بن اشعث سجستانی مشهور به امام أبو داود (۲۷۵-۲۰۲) در کتابش سنن که یکی از صحاح سته اهل سنت است در نقل خطبه غدیر خم شیوه تامل برانگیزی را در پیش گرفته است. وی این حدیث را این گونه

نقل کرده است: عن یزید بن حیان عن زید بن ارقم: ان النبی (ص) خطبهم فقال: «اما بعد». (۲۱)

محققان کتاب در پاورقی توضیح داده‌اند أولا این حدیث صحیح است، ثانيا مراد از این خطبه پیامبر (ص)

خطبه ایشان در غدیر خم است، که متن آن در دیگر کتب روایی اهل سنت با همین سند آمده است!

بررسی: متن کامل این حدیث صحیح را مسلم در صحیح خود نقل کرده است: یزید بن حیان عن زید بن

ارقم: قام رسول الله (ص) یوما فینا خطیبا بماء یدعی خما بین مکة والمدینة فحمد الله وأثنی علیه ووعظ وذكر

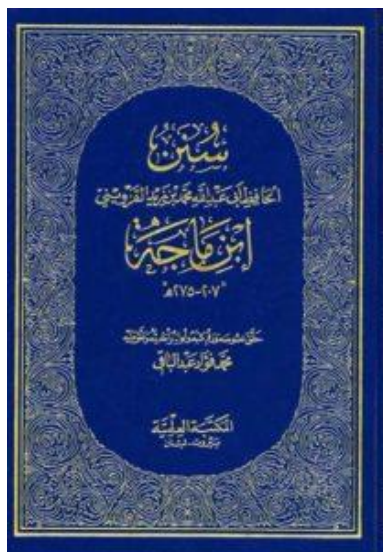
ثم قال: اما بعد، الا ایها الناس فإنما انا بشر یوشک ان یأتی رسول ربی فأجیب وانا تارک فیکم ثقلین أولهما

کتاب الله فیه الهدی والنور فخذوا بکتاب الله واستمسکوا به فحث علی کتاب الله ورغب فیه ثم قال وأهل بیتی

أذکرکم الله فی أهل بیتی أذکرکم الله فی أهل بیتی أذکرکم الله فی أهل بیتی. (۲۱) احمد بن حنبل هم در

مسند خود قبلا این روایت را آورده بود (روایت پنجم). امام أبو داود از این خطبه تاریخی فقط «اما بعد» آن را

در سنن خود نقل کرده است. میزان تقوا و انصاف علمی ایشان نیازی به بحث ندارد.



کتاب چهارم. سنن ابن ماجه

محمد بن یزید قزوینی مشهور به امام ابن ماجه (۲۷۵-۲۰۷) در کتاب سنن خود که یکی از صحاح سته اهل سنت است حدیث ولایت علی بن ابی طالب (ع) را دو بار نقل کرده است:

حدیث اول. عن البراء بن عازب، قال: أقبلنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في حجة التی حج. فنزل في بعض الطريق. فأمر الصلاة جامعة فأخذ بيد علي، فقال "ألست أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟" قالوا: بلى. قال "ألست أولى بكل مؤمن من نفسه؟" قالوا: بلى. قال "فهذا ولي من أنا مولاه. اللهم وال من والاه. اللهم عاد من عاداه." (۲۲)

حدیث دوم. عبدالرحمن ابن سابط از سعد بن ابی وقاص نقل می کند که سعد در یکی از سفرهای حجه بر معاویه وارد می شود. معاویه از علی بن ابی طالب بدگوئی می کند. سعد غصبناک شده به او می گوید این بدگوئی ها را درباره کسی می کنی که از پیامبر (ص) شنیدم که درباره او می گفت: "من كنت مولاه فعلى مولاه"، وسمعتہ يقول: "أنت منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدى"، وسمعتہ يقول "لأعطين الراية اليوم رجلا يحب الله ورسوله". هر که من مولای او هستم، پس علی مولای اوست؛ تو برای من به منزله هارون برای موسی هستی، الا اینکه بعد از من پیامبری نیست؛ امروز حتما پرچم را بدست کسی خواهم داد که خدا و رسولش او را دوست می دارند. (۲۳)

بررسی: روایت براء ابن عازب همان روایت سوم حدیث غدیر خم در مسند احمد بن حنبل است، با تفاوت بسیار جزئی عبارتی، که متن و ترجمه آن گذشت. ابن ماجه خطبه پیامبر (ص) را در سفر حج دانسته اما نه به اینکه حجة الوداع است اشاره کرده، نه به اسم غدیر خم. راوی حدیث دوم سعد بن ابی وقاص است. او تنها عبارت اصلی حدیث ولایت را نقل کرده بدون استفهام اول و دعاهاى آخر. او هم به غدیر خم اشاره ای نکرده است.



کتاب پنجم. انساب الأشراف بلاذری

احمد بن یحیی بلاذری (متولد اوایل قرن سوم و متوفای ۲۷۹) مورخ شهیر دوران عباسی در کتاب مهم انساب الأشراف (۲۴) خود در باب قبسات من ترجمه امیرالمؤمنین و غرر مناقبه علیه السلام شش روایت پی در پی مرتبط با خطبه غدیر خم پیامبر (ع) درباره ولایت علی بن ابی طالب (ع) را به ترتیب از پنج نفر از صحابه نقل کرده است: ابوهیره، براء ابن عازب (دو روایت)، زید بن ارقم، بریده بن حصیب، و ابی سعید خدری.

روایت اول. روایت ابوهیره: عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ أَبِي حَبِيبٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رض) قَالَ: نَظَرْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِغَدِيرِ خُمٍّ وَهُوَ قَائِمٌ يَخْطُبُ وَعَلَىَّ إِلَى جَنْبِهِ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَأَقَامَهُ وَقَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ». (۲۵)

روایت دوم. روایت براء بن عازب: عَنْ عَدِيِّ بْنِ ثَابِتٍ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ: لَمَّا أَقْبَلْنَا مَعَ النَّبِيِّ (ص) فِي حَجَّتِهِ فَكُنَّا بِغَدِيرِ خُمٍّ نُودِيَ أَنَّ الصَّلَاةَ جَامِعَةٌ وَكُسِحَ لِلنَّبِيِّ (ص) تَحْتَ شَجَرَتَيْنِ فَأَخَذَ بِيَدِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ وَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ أَوْ لَسْتُ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ قَالُوا: بَلَىٰ. قَالَ: أَوْ لَيْسَ أَزْوَاجِي أُمَّهَاتُهُمْ؟ قَالُوا: بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: هَذَا وَلِيُّ مَنْ أَنَا مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ. (۲۶)

روایت سوم. زید بن ارقم: عَنْ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ أَبِي الطُّفَيْلِ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ فَلَمَّا كُنَّا بَغْدِيرَ خَمٍ أَمَرَ بِدَوْحَاتٍ فَقُمِمْنَ ثُمَّ قَامَ فَقَالَ: كَأَنِّي قَدْ دَعَيْتُ فَأُجِبْتُ (و) إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ، وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَمْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ. ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ وَلِيًّا فَهَذَا وَلِيُّهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ قَالَ (أبو الطفيل): قُلْتُ لِرَيْدٍ: أَنْتَ سَمِعْتَ هَذَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَا كَانَ فِي الدَّوْحَاتِ أَحَدٌ إِلَّا وَقَدْ رَأَى بَعِينَهُ وَسَمِعَ بِأُذُنِهِ ذَلِكَ! (٢٧)

ترجمه: زید بن ارقم نقل می کند که در حجة الوداع با رسول خدا بودیم، چون به غدیر خم وارد شدیم امر به اطراق کرد، اجابت کردیم، سپس فرمود [به سرای آخرت] دعوت شده ام و اجابت کردم [بزودی از دنیا می‌روم]. خدا مولای من است و من مولای هر مومنی هستم. من بین شما دو چیز به ودیعت میگذارم اگر به آنها تمسک کنید گمراه نمی شوید، کتاب خدا و عترتم اهل بیتم، این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا سر حوض [کوثر] بر من وارد شوند. سپس دست علی را گرفت و گفت: هر که من ولی او هستم، این [علی] ولی اوست، خدایا دوست بدار هرکه او را دوست دارد و دشمن بدار هرکه او را دشمن بدارد. ابوطیفیل از زید بن ارقم می پرسد: آیا خودت این را از پیامبر (ص) شنیدی؟ زید پاسخ می دهد کسی در آنجا [غدیر خم] کسی نبود مگر اینکه با چشم خود واقعه را دید و با گوش خود شنید.

روایت چهارم. روایت بریده بن حصیب: عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ بُرَيْدَةَ بْنِ الْحُصَيْبِ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ. (٢٨)

روایت پنجم. روایت ابی سعید خدری: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، عَنِ النَّبِيِّ (ص) بِمِثْلِهِ. (٢٩)

بررسی: انساب الاشراف بلاذری بعد از مسند احمد بن حنبل در میان چهار کتاب منتخب بیشترین روایات را درباره غدیر خم نقل کرده، به لحاظ تنوع راویان (پنج صحابه) هم بعد از مسند یادشده است. بلاذری در میان

کتب منتخب برای نخستین بار روایتی از ابوهریره و بریده بن حصیب نقل می‌کند. از شش روایت این پنج صحابه روایت ابوهریره کوتاه‌ترین است. او تنها به نقل مَن كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ اکتفا کرده هرچند به ایجاز به اینکه خطبه پیامبر در غدیر خم درباره علی بن ابی طالب بوده اشاره کرده است. دو روایت بریده بن حصیب و ابی سعید خدری دعای ذیل حدیث ولایت را هم دارد: مَن كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ. اما زمان و مکان ایراد خطبه پیامبر (ص) یعنی غدیر خم در این دو روایت به چشم نمی‌خورد. اما گزارش بلاذری از روایت ابی سعید خدری محتوایی متفاوت با روایت همین صحابی در مسند احمد بن حنبل (روایت ششم) دارد، محتوای روایت ابی سعید خدری در آنجا حدیث ثقلین بود، و اینجا حدیث ولایت علی بی ابی طالب (ع).

اما دو روایت براء بن عازب علاوه بر اصل حدیث ولایت و دو دعای ذیل آن استفهام صدر آن را نیز دارد: أَيُّهَا النَّاسُ أَوَّلِي أَوَّلِي بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ قَالُوا: بَلَى. قَالَ: أَوَّلِي أَرْوَاجِي أُمَّهَاتِهِمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: هَذَا وَلِيٌّ مِنْ أَنَا مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ. الْبَتَّةُ در نقل دومش استفهام صدر را فاقد است: إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ. ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ. ثُمَّ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ. گزارش بلاذری از روایت براء بن عازب (نقل اول) با گزارش احمد بن حنبل در مسند (روایت سوم) و سنن ابن ماجه (روایت اول) مطابقت دارد، با اختلاف بسیار جزئی در عبارات.

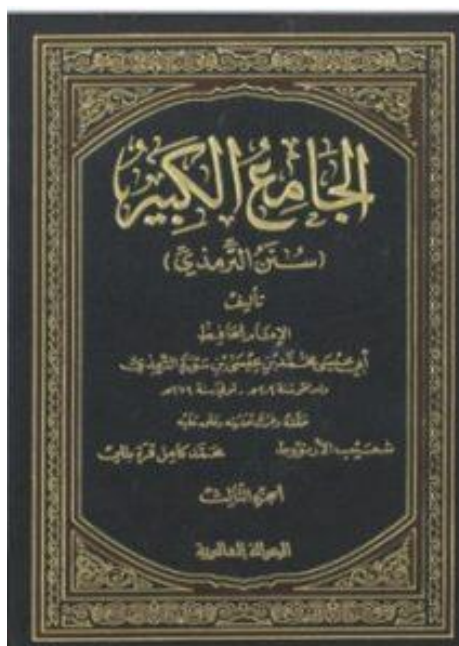
گزارش بلاذری از روایت زید بن ارقم نسبت به مسند احمد بن حنبل و صحیح مسلم تازگی دارد. در مسند احمد بن حنبل روایت زید بن ارقم از خطبه غدیر خم دو محتوای متفاوت دارد. محتوای اول: حدیث ولایت در روایت اول (حدیث چهارم) و روایت چهارم. محتوای دوم: حدیث ثقلین در روایت پنجم. محتوای روایت زید بن ارقم در صحیح مسلم همان حدیث ثقلین است نزدیک به روایت پنجم مسند احمد بن حنبل. اما گزارش بلاذری از روایت زید بن ارقم جامع هر دو محتواست یعنی هم حدیث ولایت و هم حدیث ثقلین را به عنوان دو جزء خطبه غدیر خم پیامبر (ص) در حجة الوداع نقل کرده است. معلوم می‌شود زید بن ارقم خطبه غدیر خم را

بازخوانی خطبه پیامبر در غدیر خم

کامل روایت کرده، اما احمد بن حنبل و مسلم هر یک قسمتهایی از آن را مجزا نقل کرده‌اند. در گزارش بلاذری از این روایت تمام مشخصات اصلی زمانی مکانی خطبه آمده است: حجة الوداع و غدیر خم.

خطبه غدیر خم در روایت زید بن ارقم (به گزارش بلاذری) با حدیث ثقلین آغاز می‌شود، در مقایسه با روایت پنجم مسند احمد بن حنبل و روایت صحیح مسلم این تفاوتها را دارد: أولا واژه ثقلین را ندارد! ثانيا توضیحات کتاب الله را فاقد است، ثالثا سه بار تاکید بر تذکر به اهل بیت را فاقد است، رابعا در عوض این عبارت اضافی را دارد: مَا إِنَّ تَمَسَّكُكُمْ بِهِ لَمْ تَضِلُّوا، این عبارت نخستین بار در گزارش بلاذری آمده است. خامسا این ذیل را هم اضافه دارد: فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ. عبارت اخیر در روایت ابوسعید خدری در مسند احمد بن حنبل (روایت ششم) آمده بود.

اما حدیث ولایت در گزارش بلاذری فاقد استفهام از اولویت پیامبر بر مومنین از خودشان است. این صدر در روایت چهارم مسند احمد بن حنبل آمده بود.



کتاب ششم. سنن ترمذی

امام ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی (۲۷۹-۲۰۹) صاحب یکی دیگر از صحاح سته (۳۰) دو جزء از خطبه پیامبر را مستقلاً بدون اشاره به غدیر خم در کتاب خود نقل کرده است:

حدیث اول: عن أبي سريحة أو زيد بن أرقم عن النبي (ص) قال: "من كنت مولاة فعلى مولاة". (۳۱)

حدیث دوم: او حدیث ثقلین را دو بار نقل کرده یک بار جزء خطبه پیامبر در روز عرفه و بار دوم از زید بن ارقم بدون اشاره به زمان و مکان آن:

الف. عن جابر بن عبد الله عن النبي (ص) في حجة يوم عرفه وهو على ناقته القصواء يخطب فسمعتة يقول: يا أيها الناس إني تركت فيكم من [ما] إن أخذتم به لن تضلوا، كتاب الله وعترتي أهل بيتي". (۳۲)

ب. عن زيد بن أرقم قال قال رسول الله (ص) "إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدى؛ أحدهما أعظم من الآخر؛ كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض وعترتي أهل بيتي ولن يتفرقا حتى يردا على الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما" (۳۳)

بررسی: ترمذی روایت نخست را با دو راوی (ابی طفیل و میمون ابی عبد الله) از زید بن ارقم نقل کرده و آن را اینگونه توصیف کرده: هذا حدیث حسن غریب! روایت زید بن ارقم در سنن ترمذی تقطیع شده روایت چهارم مسند احمد بن حنبل است.

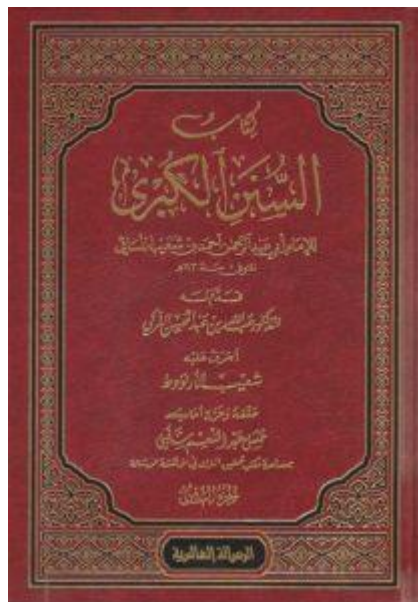
حدیث دوم حدیث ثقلین است. راوی حدیث نخست زید بن حسن از امام صادق (ع) از امام باقر (ع) از جابر بن عبدالله انصاری است. این عبارتی کوتاه از روایت طولانی جابر از حجة الوداع رسول خدا (ص) است. مسلم در صحیح خود این روایت طولانی را در کتاب حج با همین سند (همین سه راوی در سلسله سند) نقل کرده اما جمله مربوط به اهل بیت آن به گونه عجیبی روایت شده که توصیفش در بررسی صحیح مسلم گذشت. به نقل ترمذی این خطبه در روز عرفه (۹ ذیحجه) و نه روز غدیر خم (۱۸ ذیحجه) در حالی که پیامبر بر شتر خود

سوار بوده خوانده شده است. متن حدیث ثقلین در آن مختصر است: «أولا فاقد واژه ثقلین است! البته کتاب الله و عترتی اهل بیتی را دارد. ثانیاً در آن فقط همین یک عبارت است: «إن أخذتم به لن تضلوا». آیا پیامبر علاوه بر غدیر خم در حجة الوداع این حدیث را در عرفه هم بر زبان رانده بود؟ محتمل است پیامبر این حدیث را در هر دو منزل گفته باشد.

حدیث ثقلین به روایت زید بن ارقم در سنن ترمذی «أولا بر خلاف نقل مسند احمد بن حنبل، صحیح مسلم و بلاذری، خبر رحلت پیامبر از زبان خودش را ندارد. ثانیاً برخلاف مسند احمد بن حنبل و صحیح مسلم واژه ثقلین را ندارد. از این حیث مانند نقل بلاذری است. ثالثاً همانند بلاذری و برخلاف دو کتاب نخست این عبارت را اضافه دارد: «مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بعدی (با دو اختلاف لفظی با بلاذری). رابعا عبارت «أحدهما أعظم من الآخر؛ کتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض» در آن عبارت مشابه در روایت ابی سعید خدری (روایت ششم مسند احمد بن حنبل) است. این عبارت در روایات زید بن ارقم در مسند احمد بن حنبل، صحیح مسلم و بلاذری نیامده است. خامسا روایت ترمذی از زید بن ارقم همانند همین روایت در مسند احمد بن حنبل و صحیح مسلم، فاقد توصیفات دیگر کتاب الله و سه بار تذکر اهل بیت است. از این حیث مشابه روایت بلاذری از زید بن ارقم است. سادسا همانند روایت زید بن ارقم در بلاذری و روایت ابوسعید خدری در مسند احمد بن حنبل این عبارت را داراست: «ولن يتفرقا حتى يردا على الحوض». سابعا برای نخستین بار عبارت «فانظروا كيف تخلفوني فيهما» در ذیل حدیث ثقلین آمده است.

ترمذی در مورد هر دو حدیث ثقلین خود نوشته است: «هذا حدیث غریب حسن! چرا غریب؟! چون واجد لفظ «عترتی اهل بیتی» است؟!»

در سنن ترمذی روایت دیگری جلب نظر می‌کند. حدیث کساء و تطبیق آیه تطهیر بر پنج تن به نقل پسر ام سلمه از مادرش (۳۴) ترمذی این روایت را هم غریب شمرده است!



کتاب هفتم. سنن نسائی

امام احمد بن شعیب نسائی خراسانی (۳۰۳-۲۱۵) صاحب یکی از صحاح سته اهل سنت در کتاب السنن الکبری (۳۵) احادیث متعددی با تصریح به غدیر خم و نیز احادیثی دارای همان محتوا و بدون نام بردن غدیر خم ذکر کرده است. از این روایات سه روایت متفاوت را به شرح زیر انتخاب کرده‌ام.

روایت اول. انشاد علی بن ابی طالب در کوفه: علی بن ابی طالب در محله رحبه کوفه یا بر مسجد کوفه صحابه‌ای را که خطبه غدیر خم با گوش خود از پیامبر (ص) شنیده بودند سوگند داد تا آنچه را شنیده‌اند شهادت دهند. گروهی از صحابه به مفاد این خطبه شهادت دادند. از روایات متعددی که نسائی در سنن خود آورده به دو نمونه اکتفا کرده‌ام یکی در محله رحبه و دیگری بر منبر کوفه.

حدیث اول. فطر عن أبي الطفيل عامر بن واثله قال: جمع على الناس في الرحبة، فقال: أنشد الله كل امرئ مسلم سمع رسول الله (ص) يقول يوم غدیر خم ما سمع، فقام أناس فشهدوا أن رسول الله (ص) قال يوم غدیر خم: «ألستم تعلمون أني أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟» و هو قائم، ثم اخذ بيد علی فقال: «من كنت مولاه فعلي

مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه». قال أبو الطفيل: فخرجت وفي نفسي منه شيء، فلقيت زيد بن أرقم، فاخبرته، فقال: او ما تُنكر؟ ان سمعته من رسول الله (ص). واللفظ لابی داود. (۳۶)

حدیث دوم. انشاد علی بن ابی طالب بر منبر کوفه: حدثنا شریک، قال حدثنا ابواسحاق عن زيد بن یثیع قال: سمعت علی بن ابی طالب يقول علی منبر الکوفه: انی منشد الله رجلا، ولا انشد الا أصحاب محمد (ص) من سمع رسول الله (ص) يقول يوم غدیر خم: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه؟ فقام ستة من جانب المنبر و ستة من الجانب الآخر، فشهدوا انهم سمعوا رسول الله (ص) يقول ذلك. قال شریک: فقلت لابی إسحاق، هل سمعت البراء بن عازب يحدث بهذا عن رسول الله (ص)؟ قال: نعم. (۳۷)

روایت دوم. روایت زید بن ارقم

حدیث اول. عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ، قَالَ: " لَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ حَجَّةِ الْوُدَاعِ، وَنَزَلَ غَدِيرَ خُمٍّ، أَمَرَ بَدَوَحَاتٍ، فَقُمِمْنَ، ثُمَّ قَالَ: كَأَنِّي قَدْ دُعِيتُ فَأُجِبْتُ، إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ: كِتَابَ اللَّهِ، وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا؟ فَإِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ، وَأَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ، ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ، فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهٗ، فَهَذَا وَلِيَّهٗ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، فَقُلْتُ لَزَيْدٍ: سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، قَالَ: مَا كَانَ فِي الدَّوْحَاتِ رَجُلٌ إِلَّا رَأَاهُ بِعَيْنِهِ، وَسَمِعَهُ بِأُذُنِهِ". (۳۸)

حدیث دوم. عن ميمون ابی عبدالله قال زيد بن ارقم: قال رسول الله (ص): فحمدالله واثني عليه، ثم قال: «ألستم تعلمون أنّي أولى بكلّ مؤمن من نفسه؟» قالوا: بلى، نشهد لانت أولى بكل مومن من نفسه، قال: «فاني من كنت مولاه فهذا مولاه.» اخذ بيد علي. (۳۹)

روایت سوم. روایت عایشه دختر سعد از پدرش

عائشۀ ابنۀ سعد عن سعد قال: كنا مع رسول الله (ص) بطريق مكة و هو موجه اليها، فلما بلغ غدیر خم وقف الناس، ثم رد من مضى و لحقه من تخلف، فلما اجتمع الناس اليه قال ايها الناس هل بلغت: قالوا نعم. قال: اللهم اشهد ثلاث مرات يقولها ثم قال: ايها الناس من وليكم؟ قالوا الله و رسوله ثلاثا ثم اخذ بيد علي فاقامه ثم قال: من كان الله و رسوله وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. (٤٠)

بررسی: در کتب منتخب از حیث کثرت روایات غدیر خم سنن کبرای نسائی مقام نخست و مسند احمد بن حنبل مقام دوم را دارد. هرچند در تنوع روایات مسئله برعکس است. در روایت اول (انشاد علی بن ابی طالب) حدیث نخست (فطر عن أبي الطفيل) همان حدیث چهارم از روایت اول مسند احمد بن حنبل است. حدیث دوم آن در کتب منتخب جدید است، به شرطی که این دسته از روایات مستقل از روایات انشاد در رحبۀ باشند. در روایات انشاد در مسجد کوفه متن خطبه غدیر خم همان حدیث ولایت و دو دعای ذیل ان است، که با روایت براء بن عازب نیز سازگار است.

نسائی حدیث زید بن ارقم را به دو روایت نقل کرده است، روایت نخست به لحاظ محتوا همان روایت سوم انساب الاشراف بلاذری است با اختلاف نسبتا جزئی در لفظ که شامل حدیث ثقلین و حدیث ولایت است. روایت دوم همان حدیث دوم از روایت چهارم مسند احمد بن حنبل است که منحصر در حدیث ولایت می باشد. روایت سوم نسائی از چند جهت تازگی دارد. راوی این روایت عائشۀ دختر سعد بن ابی وقاص از پدرش است. این نخستین روایت یک زن از خطبه غدیر خم در کتب منتخب است. از سوی دیگر اگرچه حدیث دوم سنن ابن ماجه روایت مختصر سعد بی ابی وقاص از خطبه غدیر بود، اکنون به نقل مفصل تر وی از این خطبه به روایت دخترش دست می یابیم. روایت سعد بن ابی وقاص از خطبه غدیر تنها شامل حدیث ولایت است و اگرچه هر سه جزء آن را دارد اما الفاظ آن در دو جزء اول متفاوت است. استفهام پیامبر از اولویتش بر مردم نسبت به خودشان تبدیل به استفهام از ولی مردم شده است. در عبارت کلیدی حدیث هم واژه مولی به واژه ولی تبدیل شده است. در حدیث سعد در سنن ابن ماجه همان مولی ذکر شده بود.



بررسی بخش اهل سنت:

از بررسی منقولات ده کتاب معتبر اقدم اهل سنت در باره خطبه پیامبر در غدیر خم می‌توان نتیجه گرفت: سه کتاب هیچ مطلبی درباره خطبه پیامبر در غدیر خم درج نکرده‌اند: سیره ابن إسحاق، سیره ابن هشام و صحیح بخاری. یک کتاب تنها دو کلمه «اما بعد»! را از این خطبه با سند صحیح درج کرده است: سنن ابی داود. شش کتاب معتبر اقدم اهل سنت (تاریخ وفات نویسندگان بین ۲۴۱ تا ۳۰۳ یعنی همگی قرن سوم هجری) به نحو مختصری اجمالا واقعه غدیر خم و خطبه پیامبر را روایت کرده‌اند: مسند احمد بن حنبل، صحیح مسلم، سنن ابن ماجه، انساب الاشراف بلاذری، سنن ترمذی و السنن الکبریٰ نسائی.

از این شش کتاب در دو کتاب سنن ابن ماجه و سنن ترمذی اسم غدیر خم نیامده در حالی که به نکاتی از خطبه آن اشاره شده است. در صحیح مسلم کلمه غدیر (برکه) نیامده اما بجایش آبی بنام «خُم» ذکر شده است. در سه کتاب مسند احمد بن حنبل، انساب الاشراف بلاذری و السنن الکبریٰ نسائی بخشهایی از خطبه پیامبر همراه با تصریح به اسم غدیر خم آمده است. در دو کتاب به اینکه واقعه در حجة الوداع رسول الله رخ داده تصریح شده است: انساب الاشراف بلاذری و السنن الکبریٰ نسائی. در دو کتاب خطبه پیامبر در حج

گزارش شده، اما اشاره ای به حج آخر نشده: سنن ابن ماجه و سنن ترمذی. در کتاب اخیر روز واقعه عرفه گزارش شده است. در دو کتاب مسند احمد بن حنبل و صحیح مسلم اشاره ای درباره حج نیامده است. آنچه در این شش کتاب به عنوان خطبه غدیر خم معرفی شده بر سه گونه است: اول. حدیث ولایت: «ألست أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ قالوا: بلى. قال: ألست أولى بكل مؤمن من نفسه؟ قالوا: بلى. قال: من كنت مولاه فعلى مولاه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه». گونه دوم: حدیث ثقلین؛ گونه سوم: جامع حدیث ثقلین و حدیث ولایت.

حدیث ولایت به عنوان خطبه غدیر خم از چند طریق شناخته شده از صحابه پیامبر (ص) به شکل سه جزئی (پرسش و پاسخ اولویت پیامبر، ولایت علی و حداقل دو دعا) به پنج طریق زیر روایت شده است:

۱. انشاد علی بن ابی طالب در رحبه (مسند احمد بن حنبل و سنن نسائی)

۲. انشاد علی بن ابی طالب بر منبر مسجد کوفه (سنن نسائی)

۳. روایت براء بن عازب (مسند احمد بن حنبل، سنن ابن ماجه و انساب الاشراف بلاذری)

۴. روایت اول زید بن ارقم (مسند احمد بن حنبل و سنن نسائی)

۵. روایت سعد بن ابی وقاص (سنن نسائی)

حدیث ولایت به گونه دو جزئی به دو طریق ذیل روایت شده است: بدون استفهام صدر در روایت اول ابی سعید خدری (انساب الاشراف بلاذری)؛ منهای دعای ذیل در روایت زید بن ارقم به نقل عطیه کوفی (مسند احمد بن حنبل)

حدیث ولایت به عنوان خطبه غدیر منهای استفهام صدر و دعاهاى ذیل یعنی تنها گزارش مختصر «من كنت مولاه فعلى مولاه» به شش طریق زیر روایت شده است:

۱. انشاد علی بن ابی طالب در رحبه (مسند احمد بن حنبل به نقل اذان بن عمر)

۲. روایت ابی ایوب و دیگر انصار در رحبه (مسند احمد بن حنبل)

۳. روایت اول زید بن ارقم (سنن ترمذی)

۴. روایت سعد بن ابی وقاص (سنن ابن ماجه)

۵. روایت ابوهریره (انساب الاشراف بلاذری)

۶. روایت بریده بن حصیب (انساب الاشراف بلاذری)

- حدیث ثقلین به عنوان خطبه غدیر خم از طرق سه صحابه زیر روایت شده است:

۱. روایت دوم زید بن ارقم (مسند احمد بن حنبل، صحیح مسلم و سنن ترمذی)

۲. روایت دوم أبو سعید خدری (مسند احمد بن حنبل)

۳. روایت جابر بن عبدالله انصاری (سنن ترمذی)

- روایت جامع حدیث ثقلین و حدیث ولایت:

روایت سوم زید بن ارقم (انساب الاشراف بلاذری و سنن نسائی)

حدیث ثقلین به عنوان خطبه غدیر خم تنها در این حد در روایات فوق مشترک است: انی تارک فیکم کتاب الله و عترتی اهل بیتی. تمامی عبارات اضافه براین در روایات مذکور متفاوت نقل شده است، یعنی این عبارات حد مشترک حدیث ثقلین محسوب نمی‌شود: (۱) اما بعد؛ (۲) الا یا ایها الناس انما انا بشر یوشک ان یاتینی رسول ربی عزوجل فأجیب؛ (۳) الثقلین؛ (۴) فیه الهدی والنور فخذوا بکتاب الله واستمسکوا به؛ (۵) اذکرکم الله فی اهل بیتی؛ (۶) احدهما اکبر من الآخر؛ ممدود من السماء الی الارض؛ (۷) فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض؛ (۸) مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بعدی؛ (۹) فانظروا کیف تخلفونی فیهما.

در هر حال روایت صحیحی که از حدیث ثقلین به عنوان خطبه پیامبر (ص) در صحیح امام مسلم آمده این است: «اما بعد، الا ایها الناس، فإنما انا بشر یوشک ان یأتی رسول ربی فأجیب، وانا تارک فیکم ثقلین، أولهما کتاب الله فیه الهدی والنور فخذوا بکتاب الله واستمسکوا به» فحثّ علی کتاب الله ورغب فیه، ثم قال: «وأهل بیتی، اذکرکم الله فی اهل بیتی، اذکرکم الله فی اهل بیتی، اذکرکم الله فی اهل بیتی».

عبارت «من كنت مولاة فعلى مولاة» به عنوان جزئی از غدیر خم پیامبر (ص) از طریق هشت صحابی در پنج کتاب که از کتب معتبر اقدم اهل سنت محسوب می‌شود نقل شده است. این عبارت تنها در صحیح مسلم از کتب فوق نیامده است. حدیث ثقلین (با کمترین الفاظ یعنی انی تارک فیکم کتاب الله و عترتی اهل بیتی) به عنوان خطبه غدیر خم به سه طریق متفاوت در پنج کتاب از شش کتاب فوق آمده است. این عبارت با چنین عنوانی در سنن ابن ماجه مشاهده نشد. حدیث ولایت و حدیث ثقلین به عنوان جامع خطبه غدیر خم از یک طریق (زید بن ارقم) در کتاب انساب الاشراف بلاذری و سنن نسائی نقل شده است. محققان اهل سنت از قبیل ذهبی در «سیر اعلام النبلاء» و سیوطی در «الازهار المتناثرة فی الاحادیث المتواترة» عبارت «من كنت مولاة فعلى مولاة» را از احادیث متواتر نبوی دانسته اند. (۴۱) دعای «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» نیز به لحاظ سندی قوی است. در میان روایات فوق روایات صحیح السند هم یافت می‌شد. (۴۲)

با توجه به منقولات فوق در شش کتاب معتبر اقدم اهل سنت، اینکه سیره ابن إسحاق، سیره ابن هشام، صحیح بخاری، و سنن ابی داود خطبه پیامبر در غدیر خم را نقل نکرده اند، غدیر خم را زیر سوال نمی‌برد، اما تعصب مذهبی این نویسندگان را به عنوان احتمالی قوی در عدم نقل واقعه مذکور خاطر نشان می‌سازد. همین‌گونه تقطیع روایاتی از قبیل روایت زید بن ارقم و ابی سعید خدری و عدم نقل متن کامل آن در کتبی که آن را ناقص نقل کرده یا آن را تجزیه کرده اجزای آن را جدا جدا نقل کرده‌اند جای سوال دارد. اینکه حدیث متواتری از خطبه پیامبر در کتاب صحیح امام بخاری نقل نمی‌شود، حال آن که حداقل بخشی از آن در صحیح امام مسلم نقل شده محقق منصف را به فکر فرو می‌برد. اینکه امام أبو داود از حدیث متواتر و حداقل صحیح خطبه پیامبر (ص) در غدیر خم که در دست داشته تنها دو کلمه «اما بعد!» آن را نقل کرده و از خیر نقل بقیه گذشته است، معنایش چیست؟!

بر اساس منابع اهل سنت می‌توان با اطمینان گفت که پیامبر (ص) در حجة الوداع در غدیر خم حداقل این دو نکته را با پیروان خود در میان گذاشته است: نکته اول. من بین شما دو چیز گرانبها به ودیعه می‌گذارم: کتاب

بازخوانی خطبه پیامبر در غدیر خم

خدا و عترت یا اهل بیت را. نکته دوم: هر که من مولای او هستم علی هم مولای اوست (یقیناً). خدا دوست بدار آن که او را دوست می‌دارد، و دشمن بدار آن که او را دشمن می‌دارد (به احتمال قوی). درباره فهم معنای خطبه پیامبر (ص) نزد علمای اهل سنت به شکل مستند در مقال و مجالی دیگر بحث خواهیم کرد.



بخش دوم. غدیر خم در منابع اولیه تشیع

از کتب شیعه نیز ده کتاب انتخاب کرده‌ام. قدیمی‌ترین کتابهایی که نزد شیعیان معتبر محسوب می‌شوند، به لحاظ زمانی از قرن سوم تا قرن پنجم را در برگرفته است. برای دربرگرفتن شیخ طوسی صاحب دو کتاب از کتب اربعه شیعی - تا از هر دو سو منابع اصلی روایی بررسی شده باشد - تا اواسط قرن پنجم جلو رفته‌ام. این ده کتاب گزیده شیعی عبارتند از:

ایضاح فضل بن شاذان (م ۲۶۰)، تاریخ یعقوبی (۲۸۴)، کافی کلینی (۳۲۹)، من لایحضره الفقیه و کمال الدین صدوق (۳۸۱)، نهج البلاغه سید رضی (۴۰۶)، ارشاد مفید (۴۱۳)، تهذیب، استبصار، و امالی طوسی (۴۶۰). (۴۳)

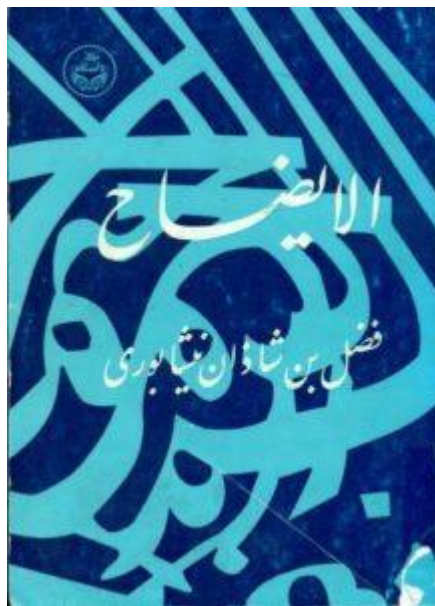
از این ده کتاب منتخب یک کتاب کلام روایی (ایضاح)، هفت کتاب روایت شامل کتب اربعه (کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار)، و سه کتاب روایی مهم دیگر (کمال الدین، نهج البلاغه و امالی طوسی) و دو کتاب تاریخ و سیره (تاریخ یعقوبی و ارشاد مفید).

از این ده کتاب دو کتاب در قرن سوم، و چهار کتاب در قرن چهارم نوشته شده، و چهار کتاب هم متعلق به نیمه اول قرن پنجم است. از این ده کتاب چهار کتاب متعرض بحث غدیر خم و خطبه پیامبر (ص) در این روز نشده‌اند. سه کتاب از کتب اربعه یعنی من لایحضره الفقیه صدوق و تهذیب و استبصار طوسی در این زمره هستند. (۴۴) البته هر سه کتاب فقهی هستند و جای بحث مسئله کلامی یا تاریخی در کتاب فقهی نیست. اما چون صحاح سته اهل سنت از این زاویه بررسی شده بود، کتب اربعه حدیث شیعه هم از همان زاویه بررسی شد.

برای آشنایی با دیدگاه شیخ صدوق و شیخ طوسی دو کتاب دیگر آنها انتخاب شد که به نحوی واقعه غدیر خم را بحث کرده‌اند (کمال الدین صدوق و امالی طوسی). کتاب چهارمی که متعرض مسئله غدیر خم نشده نهج البلاغه سید رضی است. این کتاب بعد از قرآن کریم گرامی‌ترین و رایج‌ترین کتاب شیعی است. البته نهج البلاغه آن‌چنان‌که از اسمش پیداست گزینش ادبی سید رضی از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار علی بن ابی طالب است نه اهم آثار یا همه آثار امام علی (ع). اما بالاخره در این کتاب که رایج‌ترین مجموعه شیعی کلمات امام علی است، کلمه‌ای درباره غدیر خم و خطبه پیامبر توسط سید رضی انتخاب نشده است. (۴۵)

شش کتاب گزیده شیعی که درباره غدیر خم بحث کرده‌اند به ترتیب تاریخی عبارتند از: ایضاح فضل بن شاذان (م ۲۶۰)، تاریخ یعقوبی (۲۸۴)، کافی کلینی (۳۲۹)، کمال الدین صدوق (۳۸۱)، ارشاد مفید (۴۱۳)، و امالی

طوسی (۴۶۰). به لحاظ موضوعی این شش کتاب سه دسته‌اند: کلام روایی (یک کتاب)، کتاب روایت (سه کتاب)، و سیره و تاریخ (دو کتاب). پرسشی که قرار است جوابش را در این کتابها پیدا کنیم خطبه غدیر خم پیامبر (ص) در درجه اول و حواشی آن در درجه دوم است. در دنبال بحث غدیر خم در هر یک از این شش کتاب نقل، ترجمه و بررسی می‌شود.



کتاب اول. ایضاح فضل بن شاذان

فضل بن شاذان ازُدی (متوفای ۲۶۰ مدفون در نیشابور) متکلم و فقیه شیعه و از صحابه موثق چهار امام متأخر تشیع (امام رضا تا امام حسن عسکری) بوده است. از جمله تالیفات بجامانده او کتاب «الایضاح فی الرد علی سایر الفرق» در نقد مذاهب کلامی اهل سنت بر اساس آیات قرآن و روایات مقبول اهل سنت و اثبات حقانیت مذهب جعفری است. در این تالیف معتبر اقدم گزارش مختصری از خطبه پیامبر (ص) در غدیر خم و حدیث ثقلین دیده می‌شود:

الف. وجدنا رسول الله (ص) قد أخرج عليا (ع) من التهمة التي أوقعها على الناس ولم يسمهم إنما خصه به حين نصبه [علما يوم غدیر خم وأمر أن ینادی بالصلاة جامعة فلما اجتمع الناس قام خطيبا " فحمد الله وأثنى عليه ثم قال: أيها الناس أستم تعلمون أني أولى بكم من أنفسكم؟ قالوا: اللهم نعم، فقال: اللهم اشهد ثم أخذ بيد علي (صلوات الله عليه) ورفعها حتى رأى الناس بياض إبطيهما (صلى الله عليهما) ثم قال: من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله.» (۴۶)

ترجمه: پیامبر (ص) را یافتیم که علی (ع) را از تهمتی که مردم در زمان نصبش در روز غدیر خم می‌زدند (از اینکه محمد بن عبدالله به علت اینکه علی بن ابی طالب پسر عمویش است می‌خواهد بالا بکشد!) خارج کرد، بی آن‌که تهمت‌زنندگان را معرفی کند، فرمان داد تا ندا دردهند که نماز جماعت برگزار می‌شود، چون مردم اجتماع کردند، به ایراد خطبه برخاست، حمد و ثنای خدا را بجا آورد سپس گفت: «ای مردم آیا نمی‌دانید که من بر خودتان اولی هستم؟ گفتند: به خدا بله. پس گفت: خدایا شاهد باش. سپس دست علی (ع) را گرفت و بلند کرد، تا آنجا که مردم سفیدی زیر بغل هر دو را دیدند. سپس گفت: هر که من مولای او هستم، پس علی هم مولای اوست. خدایا دوست بدار آن که او را دوست دارد، و دشمن بدار آن که او را دشمن می‌دارد، و یاری کن آن که او را یاری می‌کند، و خوار کن آن که او را خوار کرده است.»

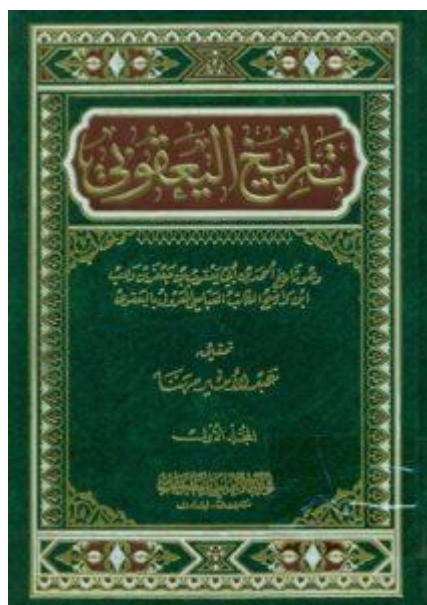
ب. وأنتم تروون عن رسول الله (ص) أنه قال: «قد خلفت فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا، كتاب الله وعترتي أهل بيتي، فإن اللطيف الخبير أنبأني أنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض». وقد أخبركم أن العترة مع الكتاب والكتاب معهم لا يفترقان إلى يوم القيامة، فتركتكم حكم العترة والكتاب واقتديتم بسواهما فلا يبعد الله إلا من ظلم. (۴۷)

ترجمه: فضل بن شاذان در نقد برخی آراء فقیهان اهل سنت آنها را شماتت کرده که شما حدیث ثقلین را از پیامبر نقل کرده‌اید: من در میان شما برجای گذاشتم چیزهایی را که اگر به آنها تمسک کنید هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترت و اهل بیت. خدای لطیف خبیر به من خبر داده است که این دو از هم جدا

بازخوانی خطبه پیامبر در غدیر خم

نمی‌شوند تا اینکه بر من سر حوض [کوثر] وارد شوند.» او شما را مطلع کرده که عترت با کتاب و کتاب با عترت است، و تا قیامت از هم جدا نمی‌شوند، شما حکم عترت و کتاب را ترک کرده به غیر آن دو اقتدا کرده‌اید، پس جز به ظلم از خدا دور نشده‌اید.

بررسی: فضل بن شاذان در ایضاح خود به سم‌پاشی بدخواهان علیه علی بن ابی طالب در آن زمان و به اقدام پیامبر برای مقابله با این سم‌پاشی‌ها سربسته اشاره می‌کند و می‌گذرد. در خطبه‌ای که وی از پیامبر (ص) نقل می‌کند یک نکته بیشتر نیست: من کنت مولاه فعلی مولاه. البته مقدمه استناد به اولویت پیامبر بر مردم نسبت به خودشان (مفاد آیه ۶ سوره احزاب) در اینجا نقل شده، سپس بعد از اعلام ولایت علی بن ابی طالب چهار دعا ذکر شده: اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله. فضل حدیث ثقلین را به عنوان روایت مروی فریقین از رسول خدا (ص) – اما نه به عنوان جزئی از خطبه غدیر خم – نقل کرده است. عبارت مورد تاکید وی این است: «فإن اللطيف الخبير أنبأني أنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض». وی اهل سنت را متهم می‌کند که در مسئله ارث به رای کتاب و عترت پشت پا زده‌اند. نقل فضل بن شاذان قدیمی‌ترین نقل حدیث غدیر در کتب منتخب معتبر شیعی است.



کتاب دوم. تاریخ یعقوبی

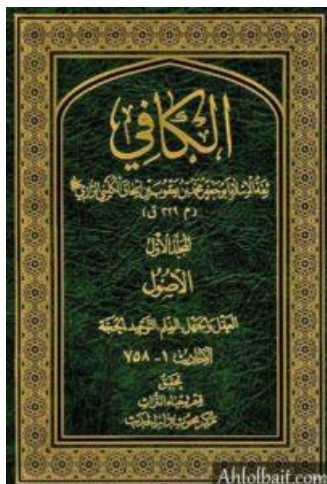
یعقوبی (احمد بن ابی یعقوب بن جعفر) مورخ شیعی متوفای ۲۸۴ در تاریخ معروف خود آنچه او از خطبه پیامبر نقل کرده است عینا این است:

«وقام خطيبا وأخذ بيد علي بن أبي طالب فقال: أأست أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ قالوا: بلى يا رسول الله! قال: فمن كنت مولاه، فعلى مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. ثم قال: أيها الناس أنى فرطكم وأنتم واردى على الحوض، وإنى سألکم، حين تردون على، عن الثقلين فانظروا كيف تخلفوني فيهما. وقالوا: وما الثقلان يا رسول الله؟ قال: الثقل الأكبر كتاب الله سبب طرفه بيد الله وطرف بأيديكم، فاستمسكوا به ولا تفلتوا، ولا تبدلوا، وعترتي أهل بيتي.» (۴۸)

ترجمه: و چون روز حرکت [روز ۱۳ ذیحجه حرکت از منی به مکه] رسید [پیامبر] به کعبه درآمده وداع کرد و بدو وحی آمد: "اليوم أكملت لكم دينكم، وأتممت عليكم نعمتي، ورضيت لكم الاسلام ديناً" (مائده ۳) (امروز دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و دین اسلام را برای شما پسندیدم) شبانه بیرون آمد و رهسپار مدینه شد و در هجدهم ذیحجه بجایی نزدیک جحفه که آن را غدیر خم می گفتند رسید و به خطبه خواندن ایستاد و دست علی بن ابی طالب را گرفت و گفت: آیا من از خود مومنان به ایشان سزاوارتر نیستم؟ گفتند: چرا ای پیامبر خدا. گفت: پس هر که من سرور اویم، علی نیز سرور اوست. خدایا دوستی کن با هر که او را دوست بدارد و دشمنی کن با هر که با او دشمنی ورزد. سپس گفت: ای مردم اینک من پیش روی شمایم و شما سر حوض (کوثر) نزد من می آئید و البته هنگامی که بر من درآئید درباره دو چیز گرانبها از شما پرسش خواهم کرد. پس بنگرید چگونه پس از من با آن دو رفتار می کنید. گفتند ای رسول خدا آن دو چیز گرانبها چیست؟ گفت: ثقل اکبر قرآن است وسیله ای که یک سر آن بدست خدا و سر دیگر بدستهای شماست. پس بدان چنگ بزنید و گمراه نشوید و دگرگونش نکنید، و ثقل دیگر عترتم، خاندان من.» (۴۹)

بازخوانی خطبه پیامبر در غدیر خم

بررسی: یعقوبی تاریخ نزول آیه اکمال دین (مائده ۳) را روز ۱۳ ذیحجه سال دهم هجری و ناظر به واقعه غدیر خم دانسته است. زمان و مکان ایراد خطبه پیامبر ۱۸ ذیحجه سال دهم در غدیر خم نزدیک جحفه بوده است. به روایت یعقوبی خطبه پیامبر دو بخش داشته یکی «فمن كنت مولاه، فعلى مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه» بر اساس استدلال به اولویت پیامبر بر مومنان نسبت به خودشان (مفاد آیه ۶ سوره احزاب)، و دیگری حدیث ثقلین: «إني سائلکم، حين تردون علیّ عن الثقلین، فانظروا کیف تخلفونی فیہما، الثقل الأكبر کتاب الله سبب طرفه بیدالله و طرف بآیدیکم، فاستمسکوا به ولا تزلوا ولا تبدلوا، وعترتی اهل بیتی. مقایسه این دو نقل اقدم قرن سوم نشان می‌دهد که گزارش یعقوبی از خطبه غدیر خم جامع‌تر و دارای جزئیات بیشتری از گزارش فضل بن شاذان است. در گزارش یعقوبی بر خلاف گزارش فضل حدیث ثقلین جزئی از خطبه غدیر خم است. تاریخ نزول آیه اکمال و زمان دقیق خطبه تنها در گزارش یعقوبی است. در گزارش یعقوبی بعد از اعلام ولایت علی بن ابی طالب پیامبر دو دعا کرده، در حالی که در گزارش فضل چهار دعاست و ایضاح این دو دعا را اضافه دارد: وانصر من نصره، واخذل من خذله. حدیث ثقلین در گزارش یعقوبی توصیفات بیشتری دارد، اما فاقد این عبارت کلیدی است که در گزارش فضل آمده: فإن اللطیف الخبیر أنبأنی أنهما لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض. به عبارت دیگر این دو گزارش اقدم مکمل هم هستند و هیچکدام ما را از دیگری برای ترسیم خطبه پیامبر بی‌نیاز نمی‌کند.



کتاب سوم. کافی کلینی

ثقة الإسلام محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹) در کتاب کافی که معتبرترین کتاب روایی شیعه است حداقل در چهارموضع درباره خطبه غدیر خم پیامبر (ص) سخن گفته است: سه بار در اصول کافی و یک بار در روضه کافی. البته در کافی بابی با عنوان خطبه پیامبر (ص) در غدیر خم یا بابی مختص غدیر خم منعقد نشده است.

روایت اول. عن أبي بصير از امام صادق (ع): قال رسول الله (ص): في علي: من كنت مولاه، فعلى مولاه. (۵۰)

روایت دوم. روایت فضلا از امام باقر (ع): خداوند رسولش را به ولایت علی فرمان داده، چنین نازل کرد: "إنما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة ويؤتون الزكاة" (مائده ۵۵) «سرپرست شما تنها خدا و رسولش و کسانی اند که ایمان آوردند. کسانی که نماز را به پا داشته، زکات می دهند». و ولایت صاحبان امر را واجب کرد، و آنان ندانستند که آن چیست. پس خداوند محمد (ص) را فرمان داد که ولایت را برایشان تفسیر کند، چنان که نماز و زکات و روزه و حج را برایشان تفسیر کرد. وقتی این فرمان از سوی خداوند آمد، رسول خدا (ص) دلتنگ شد و ترسید که آنان از دینشان برگشته، او را تکذیب کنند. پس دلتنگ شد و برای مشورت به پروردگارش مراجعه کرد. آن گاه خداوند به او چنین وحی کرد: "يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس (المائدة ۶۷)" «ای رسول [ما] آنچه را از سوی پروردگارت به تو نازل شده، ابلاغ کن. و اگر انجام ندهی، رسالتش را ابلاغ نکرده ای. خداوند تو را از (گزند) مردم نگاه می دارد. پس او فرمان خداوند را آشکار کرده، ولایت علی (ع) را در روز غدیر خم استقرار بخشید. به نماز جماعت ندا داد و مردم را فرمان داد که شاهد و حاضر به غایب برسانند. واجبات یکی پس از دیگر نازل می شد. و ولایت آخرین واجبات بود. که خداوند فرمود: "اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي (المائدة ۳)" «امروز دینتان را برایتان کامل کرده، نعمتم را بر شما تمام گردانیدم» خداوند می فرماید: پس از این واجبی را بر شما نازل نمی کنم، که واجبات را بر شما کامل کردم. (۵۱)

روایت سوم. روایت عبد الحمید بن ابی الدیلیم از امام صادق (ع): وقتی رسول خدا (ص) از آخرین حجّ بازگشت جبرئیل (ع) بر او نازل شده، گفت: "یا ایها الرسول بلغ ما انزل إلیک من ربک وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس إن الله لا یهدی القوم الکافرین" (مائده ۶۷) «ای پیامبر آنچه را از سوی پروردگارت نازل شده، ابلاغ کن و اگر نکنی رسالتش را انجام نداده ای و خداوند تو را از مردم نگاه می دارد. خداوند مردمان کافر را هدایت نمی کند.» پس به مردم ندا داد و گرد آمدند. و امر کرد تا خارهای بوته‌ها را تراشیدند [تا نشستن و ایستادن روی آنها راحت باشد] سپس فرمود: [یا] ایها الناس من ولیکم وأولی بکم من أنفسکم؟ فقالوا: الله ورسوله، فقال: من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وآل من والاه، وعاد من عاداه - ثلاث مرات - [ای] مردم! چه کسی ولیّ شما است و چه کسی به شما از خودتان سزاوارتر است؟ گفتند: خدا و رسولش. آنگاه پیامبر سه بار فرمود: هر که من مولای اویم این علی مولای او است. خدایا یار دوستانش و دشمن دشمنانش باش.

آن گاه خار نفاق در دل مردمان افتاده، گفتند: خداوند یاد هرگز آن را بر محمد نازل نکرده است، و او جز این که دست پسر عمویش را بالا ببرد چیزی نمی‌خواهد! و چون به مدینه وارد، شد انصار به نزدش آمده، گفتند: ای رسول خدا، خداوند به ما احسان کرده، با شما و با فرودتان در میان ما شرفمان داد. پس خداوند دوستان را شاد کرده، دشمنان را خوار. اما برای شما میهمانانی خواهد بود که [شاید] چیزی نیابی به آنها بدهی و دشمن تو را شماتت کند. ما دوست داریم یک سوم اموالمان را بگیری تا وقتی مهمانی از مکه برایتان رسید، چیزی باشد که به او بدهی. رسول خدا (ص) چیزی به آنان نگفت و منتظر بود که از سوی پروردگارش چه نازل می شود. جبرئیل (ع) نازل شد و گفت: "قل لا أسألكم علیه أجرا إلا المودة فی القربی (شوری ۲۳)" «بگو: من از شما برای آن (رسالت) جز دوستی با نزدیکانم، مزدی نمی‌خواهم.» و اموالشان را نپذیرفت.

آن گاه منافقان گفتند: خداوند این را بر محمد نازل نکرده است. و او می‌خواهد جایگاه پسرعمویش را بالا برده، خاندانش را بر ما تحمیل کند! دیروز می‌گفت: هر که من مولای اویم، علی مولای او است و امروز می‌گوید:

«بگو من از شما برای آن جز دوستی با نزدیکانم مزدی نمی خواهم.» سپس آیه خمس نازل شد و آنان گفتند: او می خواهد اموال و غنیمت ما را به آنان بدهد.

سپس جبرئیل (ع) به نزد او آمد و گفت: ای محمد! تو پیامبری را به انجام رسانده، عمرت را به پایان رساندی. پس اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوت را نزد علی (ع) قرار ده؛ زیرا من زمین را جز این که ولیّی از سوی من در آن باشد رها نمی کنم تا به وسیله او اطاعت و ولایت من شناخته شود. و حجّتی باشد برای کسی که در فاصله مرگ پیامبری و بعثت پیامبری دیگر به دنیا می آید. پس ایشان اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوت را برای او وصیت کرد، و هزار کلمه و هزار باب به او وصیت نمود که از هر کلمه و بابی هزار کلمه و باب دیگر گشوده می شود. (۵۲)

روایت چهارم. روایت جابر بن یزید از امام باقر (ع) که در آن خطبه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) را که هفت روز بعد از وفات پیامبر (ص) در مدینه ایراد شده با عنوان خطبة الوسيلة نقل کرده در ضمن آن امام علی (ع) از واقعه غدیر خم سخن گفته است: و این چنین بود که پیامبر در حجة الوداع بیرون شد و از غدیر خم گذر کرد و دستور داد برایش شبه منبری بپا کنند و سپس بر منبر شد و بازوی مرا برآورد تا سپیدی زیر دو بغلم دیده شد و به صدای بلند در این انجمن چنین گفت: " من کنت مولاه فعلى مولاه اللهم وآل من والاه و عاد من عاداه " هر که را من سرور اویم علی سرور اوست، خدایا دوست بدار هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن می دارد. پس معیار دوستی خدا دوستی من شد و معیار دشمنی خدا دشمنی با من. و خداوند در همان روز این آیه را فرو فرستاد: " اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا (المائدة ۳) پس ولایت من کمال دین و رضایت پروردگار گردید و خداوند بویژه برای من و تعظیم رسول اکرم (ص) این آیه را فرو فرستاد " ثم ردوا إلى الله مولیهم الحق ألا له الحكم وهو أسرع الحاسبين (انعام ۶۲) «سپس (تمام بندگان) به سوی خدا، که مولای حقیقی آنهاست، باز می گردند. بدانید که حکم و داوری،

مخصوص اوست؛ و او، سریعترین حسابگران است!» درباره من منقبتهایی است که اگر آنها را یاد کنم جنجال بزرگی پیش آید و گوش سپردن بدان زمانی دراز می‌طلبد (۵۳)

بررسی:

الف. ثقة الإسلام کلینی در کافی حداقل چهار روایت درباره غدیر خم نقل کرده است. عنوان غدیر خم تنها در روایت دوم و چهارم دیده می‌شود. از این چهار روایت فقط سند روایت اول صحیح است. متن خطبه غدیر خم در روایات اول، سوم و چهارم آمده است. در روایت صحیح تنها این عبارت آمده است: «من کنت مولاه، فعلی مولاه». در روایت سوم متن خطبه غدیر این است: [یا] أیها الناس من ولیکم وأولی بکم من أنفسکم؟ فقالوا: الله ورسوله، فقال: من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وآل من والاه، وعاد من عاداه - ثلاث مرات - . متن خطبه در روایت چهارم این است: "من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وآل من والاه و عاد من عاداه ". از خطبه غدیر بیش از این عبارات به نظر کلینی از پیامبر (ص) در غدیر خم نقل نشده است. در روایت سوم زمان خطبه حجة الوداع است.

ب. متأسفانه سه روایت دیگر فاقد اعتبار سندی هستند. (۵۴) در این روایات که به لحاظ سند مشکل دارند این نکات قابل ذکر است:

أولاً امور منجر به خطبه غدیر در روایت دوم از امام باقر (ع) نقل شده است. با نزول آیه ۵۵ سوره مائده که درباره ولایت علی (ع) بود، خداوند به محمد (ص) فرمان داد که ولایت را برایشان تفسیر کند. پیامبر (ص) ترسید که آنان از دین برگشته او را تکذیب کنند، پس دلتنگ شده برای مشورت به خداوند مراجعه کرد. آیه ۶۷ سوره مائده نازل شد. پس پیامبر (ص) به فرمان خداوند ولایت علی (ع) را در روز غدیر خم استقرار بخشید. ولایت آخرین واجب الهی بود که نازل شد. با نزول آیه ۳ سوره مائده دین کامل شد. این نخستین باری است

که واژه غدیر خم در کتاب اصول کافی استعمال شده است. در روایت سوم نیز به ارتباط آیه ۳ سوره مائده با وظیفه پیامبر (ص) در اعلام ولایت علی اشاره شده است.

ثانیا در روایت دوم این نگرانی پیامبر نیز آمده: وقتی این فرمان از سوی خداوند آمد، رسول خدا (ص) دلتنگ شد و ترسید که آنان از دینشان برگشته، او را تکذیب کنند. در روایت سوم هم تصریح شده: «آن گاه خار نفاق در دل مردمان افتاده، گفتند: خداوند هرگز آن را بر محمد نازل نکرده است. و او جز این که دست پسر عمویش را بالا ببرد چیزی نمی‌خواهد!» در روایت سوم نکته ای آمده که در منابع قبلی حداقل به عنوان یکی از جزئیاتی که بلافاصله بعد از غدیر خم اتفاق افتاده ذکر نشده است. پیامبر اموال اهدایی مردم مدینه را نپذیرفت " قل لا أسألكم عليه أجرا إلا المودة فی القربی (شوری ۲۳) آن گاه منافقان گفتند: خداوند این را بر محمد نازل نکرده است. و او می‌خواهد جایگاه پسرعمویش را بالا برده، خاندانش را بر ما تحمیل کند. دیروز می‌گفت: هر که من مولای اویم، علی مولای او است و امروز می‌گوید: «بگو من از شما برای آن جز دوستی با نزدیکانم مزدی نمی‌خواهم.» سپس آیه خمس نازل شد و آنان گفتند: او می‌خواهد اموال و غنیمت ما را به آنان بدهد.

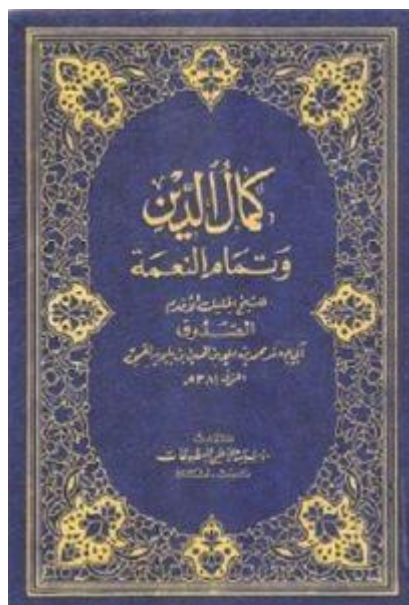
ثالثا طبق روایت سوم پیامبر به امر جبرئیل اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوت را در پایان عمر به علی تحویل می‌دهد و هزار کلمه و هزار باب به او وصیت کرد که از هر کلمه و بابی هزار کلمه و باب دیگر گشوده می‌شود.

رابعا روایت چهارم روایت علی بن ابی طالب (ع) از غدیر خم است. اما متأسفانه سند روایت کاملاً ضعیف و به لحاظ محتوی نیز غیرقابل انتساب به امام علی است.

ج. پرسیدنی است چرا امر خطیری مثل خطبه غدیر خم پیامبر (ص) در کتاب مهمی مثل کافی با روایات صحیح‌ه تبیین نشده و بجای آن اموری حاشیه‌ای که دلیل معتبری بر وقوع آنها در دست نیست نقل شده است. در هر صورت اگر این حواشی منقول را به حساب ذهنیت برخی شیعیان قرن سوم و اوایل قرن چهارم

بازخوانی خطبه پیامبر در غدیر خم

بگذاریم، متن منقول از خطبه غدیر خم پیامبر (ص) در کافی تفاوت چندانی با متن مطمئن بدست آمده از کتب اهل سنت در آن دوران ندارد.



کتاب چهارم. کمال الدین صدوق

محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق (۳۸۱-۳۰۶) صاحب کتاب من لایحضره الفقیه از کتب اربعه شیعه، در کتاب کمال الدین و تمام النعمه خطبه پیامبر (ص) در غدیر خم را به دو روایت نقل کرده است:

روایت اول. روایت زید بن ارقم: عامر بن واثله عن زید بن ارقم قال : لما رجع رسول الله (ص) من حجّة الوداع نزل بغدير خمّ ثمّ أمر بدوحات فقمّ ما تحتهنّ ، ثمّ قال : كآنى قد دعيت فأجبت إنى تركت فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر : كتاب الله وعترتى أهل بيتى فانظروا كيف تخلفونى فيهما فإنّهما لن يفترقا حتّى يردا علىّ الحوض ، ثمّ قال : أن الله مولاى وأنا مولى كلّ مؤمن ثمّ أخذ بيد علىّ بن أبى طالب (ع)، فقال: من كنت وليه

فهذا وليّهُ ، اللّهُمَّ وال من والاه وعاد من عاداه ، قال : فقلت لزید بن أرقم : أنت سمعت من رسول الله (ص)؟ فقال: ما كان في الدّوّحات أحد إلّا وقد رآه بعينيه وسمعه باذنيه. (۵۵)

ترجمه: عامر بن واثله از زید بن ارقم روایت کند که گفت: چون رسول خدا (ص) از حجّه الوداع بازگشت در غدیر خم فرود آمد و دستور داد زیر چند درخت بزرگ را روفتند سپس گفت: گویا مرا دعوت کردند [کنایه از رحلت] و من نیز اجابت نمودم، من در میان شما دو شیء نفیس باقی گذاردم که یکی از آن دو بزرگتر از دیگری است کتاب خدا و عترتم، بنگرید چگونه آن دو را جانشین من می‌سازید؟ و آن دو از یکدیگر جدا نشوند تا آنکه در حوض [کوثر] بر من وارد شوند، سپس گفت: خداوند مولای من و مولای هر زن و مرد مؤمنی است، سپس دست علیّ بن ابی طالب (ع) را گرفت و فرمود: هر که من مولای اویم علیّ مولای اوست، به زید بن ارقم گفتم: آیا تو خود این کلام را از رسول خدا (ع) شنیدی؟ گفت: همه کسانی که زیر آن درختها بودند او را با دو چشم خود دیده و با دو گوش خود از او شنیدند.

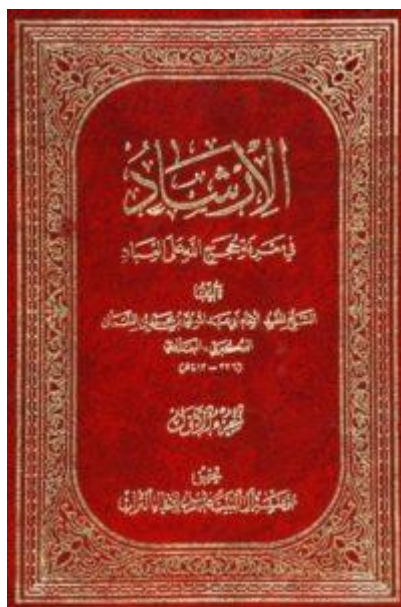
روایت دوم. روایت جابر بن عبدالله انصاری: عن عمرو بن أبی المقدام، عن جعفر بن محمّد، عن أبيه (عليهما السلام) قال: أتيت جابر بن عبد الله فقلت: أخبرنا عن حجّة الوداع، فذكر حديثاً طويلاً، ثمّ قال: قال رسول الله (ص): إنّي تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلّوا بعدى كتاب الله وعترتي أهل بيتي، ثمّ قال: اللّهُمَّ اشهد - ثلاثاً - (۵۶)

ترجمه: عمرو بن أبی المقدام از امام صادق (ع) و ایشان از امام محمد باقر (ع) نقل می‌کند: نزد جابر بن عبدالله انصاری رفتم و از او خواستم درباره حجّه الوداع ما را باخبر سازد. جابر حدیث طولی ذکر کرد، سپس گفت: پیامبر گفت: من در میان شما چیزی باقی می‌گذارم که اگر به آن تمسک کنید هرگز بعد از من گمراه نشوید، کتاب خدا و عترتم اهل بیتم. سپس سه بار گفت: خدایا شاهد باش.

بررسی: روایت اول صدوق همان روایتی که قبلاً بلاذری در انساب الاشراف و نسائی در السنن الکبری از زید بن ارقم نقل کرده بودند، با جزئی تفاوتی در الفاظ حدیث. اما روایت دوم مشابه روایتی است که ترمذی در

بازخوانی خطبه پیامبر در غدیر خم

سنن خود به نقل از جابر بن عبدالله از پیامبر (ص) در روز عرفه حشش نقل کرده بود. البته در نقل صدوق اولا زمان حدیث حجة الوداع است، اما مکان آن ذکر نشده و به اسم غدیر خم هم تصریح نشده است. نکته مهم روایت صدوق این است که وی این حدیث را مسندا از امام صادق (ع) و ایشان به نقل از امام باقر (ع) از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده است. در حقیقت این نخستین سند خطبه غدیر خم است که از طریق ائمه اهل بیت در کتب شیعه روایت شده است. شیخ صدوق از میان روایات خطبه غدیر خم پیامبر (ص) دو روایت را هوشمندانه انتخاب کرده است. از یک سو جامع‌ترین متن معتبر را از نظر خود اختیار کرده، ثانیاً در حدیث ثقلین سندی را اختیار کرده که امامان پنجم و ششم در سلسله راویان آن هستند.



کتاب پنجم. ارشاد مفید

محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید (۴۱۳-۳۳۶) متکلم، فقیه و مورخ بزرگ شیعه در کتاب «الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد» از مهمترین کتب تاریخ ائمه (ع) واقعه غدیر خم را این‌گونه روایت کرده است.

«پس از آنکه رسول خدا (ص) مناسک خود را بجا آورد در قربانی علی (ع) شرکت کرد و با مسلمانان به مدینه مراجعت نمود، در راه به محلی که بنام غدیر خم شهرت داشت رسید. غدیر محلی سوزان بود و آب و گیاه در آنجا یافت نمی‌شد و کمتر اتفاق می‌افتاد مسافری در آنجا منزل کند. در عین حال رسول خدا (ص) در آنجا منزل کرد و مسلمانان به پیروی از او فرود آمدند. و علت منزل کردن ایشان آن بود که در آن مکان قرآن نازل شد و پیغمبر (ص) را بخلاف علی (ع) مأمور داشت و پیش از این هم در این زمینه دستور رسیده بود بی آنکه زمانی برای اعلام آن تعیین شده باشد. پس او آن را به تأخیر می‌انداخت تا در آن از اختلاف مردم در این امر ایمن باشد. خدا می‌دانست هرگاه مردم از غدیر خم بگذرند بسیاری از آنها پراکنده شده به شهرها، ده‌ها و خیمه‌های خود رهسپار می‌شوند پس خدا خواست تا ایشان را برای شنیدن نص بر [ولایت] امیرالمومنین (ع) جمع کند تا تأکیدی بر حجت بر ایشان در این امر باشد.

خدا این آیه را در این امر نازل کرد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (ای پیامبر آنچه را که از طرف پروردگارت به تو رسیده [به مردم] بگو) یعنی در خلافت علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین (ع) و نص بر امامت او، «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» [سوره مائده آیه ۶] (و اگر به آنچه به تو رسیده عمل نکردی، رسالت خدایت را نرسانده‌ای و خدا ترا از [آزار] مردم نگهداری می‌کند). خدا در این آیه این امر را واجب کرده و پیامبرش را از تأخیر آن بر حذر داشته، و ممانعت از [آزار] مردم و نگهداری او را ضمانت کرده است.

رسول خدا بر اثر همین فرمان در محلی که یاد کردیم فرود آمد و مسلمانان نیز گرداگرد او فرو آمدند، و آن روز اتفاقاً هوا بسیار گرم بود. رسول خدا (ص) دستور داد زیر درختی که آنجا بود جارو کنند [و مهبای حضور مردم کنند]، و جهاز شتران را در آنجا جمع‌آوری کرده [روی هم گذاشتند] و منادی مردم را به نماز فراخواند. پس جمعیت اطراف رسول خدا (ص) حاضر شدند، اکثر مردم از شدت گرما عباها را زیر پاهای خود می‌گذاشتند.

پس چون مردم اجتماع کردند، رسول خدا (ص) بر روی جهاز شتران رفته از علی (ع) خواست بالا بیاید و طرف راستش بایستد.

سپس [رسول خدا] برای مردم مشغول ایراد خطابه شد. حمد و ثنای الهی را بجا آورده و مردم را از مواعظ شافیه خود که با بلاغت هر چه تمام‌تری ادا می‌کرد بهره‌مند ساخت، ضمناً آنان را از ارتحال خویش باخبر نمود و گفت: «إني قد دعيت ويوشك أن أجيب، وقد حان مني خفوف من بين أظهركم، وإني مخلف فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا أبدا: كتاب الله وعترتي أهل بيتي، وإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض». مرا به‌عالم دیگر دعوت کرده و نزدیک است منادی حق را اجابت گویم و از دنیا بروم، در عین حال چیزی از خود باقی می‌گذارم که اگر به‌آن تمسک نمائید هیچ‌گاه گمراه نشوید: کتاب خدا و عترتم اهل بیتم، این دو هرگز از هم جدا نشوند تا کنار حوض [کوثر] بر من وارد گردند.

سپس با صدای رسا اعلام کرد: «ألست أولى بكم منكم بأنفسكم؟» آیا من از شما شایسته‌تر به‌شما نمی‌باشم؟ همه گفتند خدا داناست که چنین است. رسول خدا بلافاصله بازوان علی (ع) را گرفت و بلند کرد آن‌چنان‌که سپیدی زیر بغلش نمودار گردید و گفت: «فمن كنت مولاه فهذا علي مولاه. اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله» هر که من مولای او هستم، علی هم مولای اوست. پروردگارا دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن و یاور او را یاری کن و خوارکننده او را خوار ساز.

سپس از منبر بزیور آمد، حوالی وقت ظهر بود، دو رکعت نماز [نافله] گزارده، چون خورشید به وسط آسمان رسید، مؤذن برای نماز فریضه به‌جماعت مردم را دعوت کرد. رسول خدا (ص) نماز ظهر را بجا آورد و در خیمه خود نشست و از علی (ع) خواست که در خیمه خود که همانند خیمه او بود بنشیند و به‌مسلمانان فرمان داد تا دسته دسته بر علی (ع) وارد شوند و به‌وی این مقام را تبریک گفته و به‌عنوان امیر المؤمنین به‌او سلام کنند. مردم همگی چنین کردند، سپس از همسران خود و سایر بانوان مؤمنه که با او بودند خواست آنها نیز بر او وارد شده به‌همین عنوان به‌وی تبریک بگویند. آنان هم چنین کردند. در میان تبریک‌گویندگان عمر بن خطاب

تبریک طولانی‌تری گفت و اظهار خرسندی نمود، از جمله گفت: «بَخَّ بَخَّ لَكَ يَا عَلِيُّ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ» آفرین بر تو ای علی که مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمن گردیدی. حسان [بن ثابت] نزد رسول خدا (ص) آمده و گفت: آیا اجازه می‌دهید در این باره چیزی بگویم که خدا از آنها راضی باشد؟ [پیامبر] گفت: بنام خدا بگو. حسان در جای بلندی قرار گرفته همچنان که مسلمانان آماده گوش دادن بودند سروده‌اش را بر زبان راند:

يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيهِمْ * بَخْمَ وَأَسْمَعَ بِالرَّسُولِ مَنَادِيَا

وَقَالَ: فَمَنْ مَوْلَاكُمْ وَوَلِيَّكُمْ؟ * فَقَالُوا وَلَمْ يَبْدُوا هُنَاكَ التَّعَادِيَا

إِلْهَكَ مَوْلَانَا وَأَنْتَ وَلِينَا * وَلَنْ تَجِدَنَّ مِنَّا لَكَ الْيَوْمَ عَاصِيَا

فَقَالَ لَهُ: قُمْ يَا عَلِيُّ فَإِنِّي * رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي إِمَامَا وَهَادِيَا

فَمَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا وَلِيُّهُ * فَكُونُوا لَهُ أَنْصَارَ صَدَقَ مَوَالِيَا

هَنَاكَ دَعَا: اللَّهُمَّ وَالِّ وَلِيَّهُ * وَكُنْ لِلذِّى عَادَى عَلِيَا مُعَادِيَا

(ترجمه اشعار: در روز غدیر خم پیامبر مسلمانان را گردآورد و به آنها خطاب کرده گفت مولا و ولی شما کیست؟ آنها بدون آنکه اظهار دشمنی نمایند پاسخ دادند خدای ما مولای ما و توهم ولی ما هستی، و امروز به هیچ وجه از ما سرکشی نخواهی دید. آنگاه فرمود یا علی از جای برخیز که من پس از خود به امامت و هدایت تو خرسندم. پس کسی که من مولای او هستم پس این [علی] ولی اوست، و شما هم براستی یاور و دوست او باشید. در اینجا شروع کرد بدعا نمودن که پروردگارا دوست او را دوست بدار و با دشمنش دشمنی کن.) رسول خدا (ص) گفت: ای حسان تا وقتی که ما را بزبان خود یاری می‌کنی روح القدس یاور و مؤید تو باشد.» (۵۷)

بررسی: گزارش مفید مفصل‌ترین گزارش واقعه غدیر خم در کتب منتخب است. این گزارش شامل سه مقطع قبل از خطبه، خطبه و بلافاصله بعد از خطبه همراه با شرح شیخ مفید می‌شود. این گزارش شفاف‌ترین گزارش برای آشنائی با ذهنیت تشیع در اوایل قرن پنجم از واقعه غدیر خم است.

علت انتخاب غدیر خم برای ایراد خطبه نزول آیه ۶ سوره مائده بود که به پیامبر (ص) فرمان می‌داد که سریعاً آنچه را به تو قبلاً گفتیم به مردم ابلاغ کن. پیامبر محلی را انتخاب کرد که بیشترین جمعیت مسلمانان می‌توانستند شنونده پیام مهم وی باشند. بعد از غدیر خم حجاج متفرق می‌شدند. زمان ایراد خطبه غدیر خم قبل از ظهر ۱۸ ذیحجه سال دهم هجری است، به نحوی که دقایقی بعد از اتمام خطبه ظهر می‌شود و مسلمانان نماز جماعت را به امامت پیامبر بجامی آوردند. ارشاد مفید نخستین کتاب در کتب منتخب است که به دقت زمان ایراد خطبه را نیز تعیین کرده است. شرایط جوی زمان ایراد خطبه، نحوه آماده سازی فضای اجتماع و چگونگی جایگاهی که پیامبر (ص) خطبه تاریخی خود را ایراد کرده برای نخستین بار در ارشاد مفید در بین منابع منتخب آمده است. هوای بسیار گرم، زیر سایه درختان تنومند از خار و دیگر موانع جارو می‌شود، از جهاز شتران منبرمانندی آماده شده، خطبه بر فراز آن ایراد شده است.

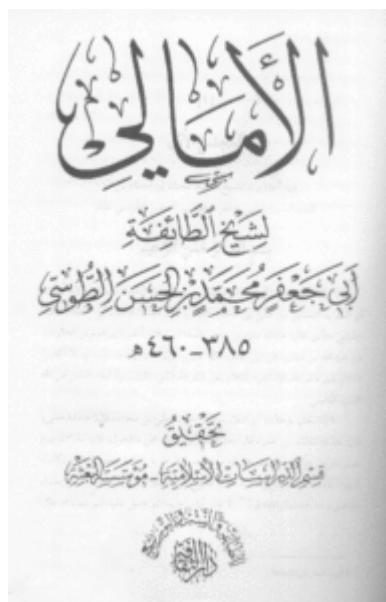
آنچه شیخ مفید از خطبه پیامبر (ص) عیناً نقل کرده دو نکته بیشتر نیست. یکی خبر از نزدیکی رحلتش و اعلام حدیث ثقلین و دیگری اعلام ولایت علی بن ابی طالب (ص). حدیث ثقلین به روایت مفید کوتاه است: «نزدیک است منادی حق را اجابت گویم و از دنیا بروم، در عین حال چیزی از خود باقی می‌گذارم که اگر به‌آن تمسک نمائید هیچ‌گاه گمراه نشوید: کتاب خدا و عترتم اهل بیت، این دو هرگز از هم جدا نشوند تا کنار حوض [کوثر] بر من وارد گردند.» این متن حدیث ثقلین در اوایل قرن پنجم به روایت بزرگترین عالم شیعه آن عصر است.

روایت مفید از اعلام ولایت علی (ع) توسط پیامبر (ص) نیز موجز است: «آیا من از شما شایسته‌تر به‌شما نمی‌باشم؟ هر که من مولای او هستم، علی هم مولای اوست. پروردگارا دوست او را دوست بدار، و دشمن او را دشمن، و یاور او را یاری کن، و خوارکننده او را خوار ساز.» تمسک به مفاد آیه ۶ سوره احزاب برای اولویت پیامبر (ص) بر مومنان، اعلام ولایت علی بن ابی طالب و چهار دعا در حق موافقان و مخالفان وی. روایت مفید

از خطبه غدیر خم پیامبر (ص) با روایت یعقوبی و زید بن ارقم در کمال الدین صدوق یکی است با اختلاف جزئی در عبارات.

در کتب منتخب ارشاد مفید نخستین کتابی است که امر پیامبر (ص) به بیعت با علی بن ابی طالب (ع) و متعاقب آن بیعت مرد و زن با ایشان به عنوان امیرالمؤمنین را گزارش کرده است. منبع مفید در این امر چیست؟ آیا در آن روز مسلمانان با علی به عنوان امیرالمؤمنین بیعت کردند؟ نقل مفید از تبریک طولانی عمر بن خطاب به علی بن ابی طالب با روایت احمد بن حنبل در مسندش سازگار است. در کتب منتخب ارشاد مفید نخستین کتابی است که قرائت شعر حسان بن ثابت در توصیف غدیر خم بعد از نماز ظهر همان روز را گزارش کرده است. شعر حسان شش بیت است و در توصیف نکته دوم خطبه است: ولایت علی بن ابی طالب. شعر حسان نخستین شعر در وصف غدیر خم و مطابق با معتبرترین روایت بجامانده آن است. آیا این شعر مهم همان جا و همان روز سروده و در حضور پیامبر قرائت شده است؟

شیخ مفید دعای مشروط پیامبر (ص) در حق حسان بن ثابت را با توصیف مشروط زنان پیامبر (ص) در سوره احزاب از یک سو و توصیف اهل بیت پیامبر (ص) که به نظر مفید مفاد مطلق آیات سوره دهر است مقایسه کرده نتیجه می گیرد مشروط بودن دو توصیف اول به دلیل عاقبت سوء برخی مصادیق آن است، در حالی که مصادیق آیات سوره دهر در تغییر روزگار از حق متمایل نشده اند. شیخ مفید سخنش را با اشاره به فضائل اختصاصی علی بن ابی طالب (ع) خاتمه داده نتیجه می گیرد که پیامبر (ص) برترین و شریف ترین خلق خدا را به مردم معرفی کرد. (۵۸) گفتنی است که گزارش مفید از غدیر خم فاقد إضافات اختصاصی حدیث دوم تا چهارم کلینی در کافی درباره غدیر خم است.



کتاب ششم. امالی الطوسی

محمد بن حسن معروف به شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰) فقیه، متکلم و محدث بزرگ شیعه که از او با لقب فاخر شیخ الطائفة یاد می‌شود، صاحب دو کتاب تهذیب الاحکام و استبصار از کتب اربعه حدیث شیعه است. شیخ طوسی در کتاب الامالی که مجموعه‌ای از مجالس روایت‌خوانی وی است، (۵۹) حدیث غدیر خم را به چند طریق با سند خود نقل کرده است:

روایت اول. روایت زید بن ارقم: حدثنا حبيب - وكان إسكافا في بني بدى ، وأثنى عليه خيرا - أنه سمع زيدا بن أرقم يقول : خطبنا رسول الله (ص) يوم غدیر خم ، فقال : من كنت مولاه فهذا علی مولاه ، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. (۶۰)

ترجمه: حبيب - کفاشی از بنی بدی - از زید بن ارقم روایت کرده است: پیامبر (ص) در روز غدیر خم خطبه خواند و سپس گفت: هر که من مولای او هستم، علی هم مولای اوست. پروردگارا دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن.

روایت دوم. روایت ابوسعید خدری: عبد الله بن شریک عن سهم بن الحصین الأسدی، قال: قدمت إلى مكة أنا وعبد الله بن علقمة، وكان عبد الله بن علقمة سبابة لعلی (ع) دهرًا. قال: فقلت له: هل لك في هذا - یعنی أبا سعید الخدری - نحدث به عهدًا؟ قال: نعم، فأتيناه فقال: هل سمعت لعلی منقبه؟ قال: نعم إذا حدثتک فسل عنها المهاجرین وقریشا، إن رسول الله (ص) قام يوم غدیر خم، فأبلغ ثم قال: یا أيها الناس، أأست أولى بالمؤمنین من أنفسهم؟ قالوا: بلی. قالها ثلاث مرات، ثم قال: ادن یا علی، فرفع رسول الله (ص) یدیه حتی نظرت إلى بیاض آباطهما قال: من كنت مولاه فعلى مولاه، ثلاث مرات. قال: فقال عبد الله بن علقمة: أنت سمعت هذا من رسول الله (ص)؟ قال أبو سعید: نعم، وأشار إلى أذنيه وصدره، قال: سمعته أذنای ووعاه قلبی. قال عبد الله بن شریک: فقدم علينا عبد الله بن علقمة وسهم بن حصین، فلما صلینا الہجیر قام عبد الله بن علقمة فقال: إني أتوب إلى الله واستغفره من سبّ علی بن أبی طالب (صلوات الله علیه)، ثلاث مرات. (۶۱)

ترجمه: عبد الله بن شریک به نقل از سهم بن الحصین الأسدی می گوید به اتفاق عبد الله بن علقمة وارد مکه شدم. وعبد الله بن علقمة کسی بود که با دشنام به علی بن ابی طالب روزگار می گذرانید! به او گفتم آیا می خواهی در این باره از أبو سعید خدری [از صحابه مشهور پیامبر] حدیثی بشنوی؟ گفت بله. با هم نزد أبو سعید خدری رفتیم. عبدالله از او پرسید: آیا تو درباره علی منقبتی شنیده ای؟ أبو سعید خدری پاسخ داد: بله! از آنچه برای روایت می کنم از مهاجرین و قریش بپرس [تا از صحتش مطمئن شوی!] پیامبر خدا (ص) در روز غدیر خم برخاست و گفت: ای مردم آیا من از خود مردم به خودشان اولی نیستم؟ گفتند: چنین است. پیامبر این عبارت را سه بار بر زبان راند. سپس از علی خواست به او بپوندد، پس پیامبر خدا (ص) دست علی را بالا برد تا آنجا که سفیدی زیر بغلشان آشکار شد. پیامبر سه بار گفت: هر کس من مولای او هستم علی هم مولای اوست. عبدالله بن علقمه [با تعجب] پرسید: آیا خودت از پیامبر (ص) این را شنیدی؟ ابوسعید خدری در حالی که به گوش و قلبش اشاره می کرد گفت با همین گوشه های شنیدم و با همین قلبم حفظ کردم. عبدالله بن شریک می گوید: پس عبدالله بن علقمه و سهم بن حصین بر ما وارد شدند. وقتی نماز ظهر را خواندیم عبدالله

بن علقمة سه بار گفت: من از دشنام به علی بن ابی طالب (صلوات الله علیه) بسوی خدا توبه کرده استغفار می‌کنم.

روایت سوم. روایت انس بن مالک: عن مسلم الملائى، عن أنس بن مالك، أنه سمع رسول الله (ص) يقول يوم غدیر خم: أنا أولى بالمؤمنین من أنفسهم، وأخذ بيد علی (ع)، فقال: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. (۶۲)

ترجمه: مسلم الملائى: انس بن مالک: از رسول خدا (ص) در روز غدیر خم از رسول خدا (ص) شنیدم: من از مؤمنین به خودشان اولی هستم؛ و دست علی را بلند کرد پس گفت: هر که من مولای او هستم پس علی هم مولای اوست، خدایا دوست بدار آنکه او را دوست می‌دارد، و دشمن بدار آن که او را دشمن می‌دارد.

روایت چهارم. انشاد علی بن ابی طالب: عن عمرو ذی مر وسعید بن وهب وعن زید بن نفع [یشع]، قالوا: سمعنا علیا (ع) يقول فی الرحبة: أنشد الله من سمع النبی (ص) يقول يوم غدیر خم ما قال إلا قام، فقام ثلاثة عشر، فشهدوا أن رسول الله (ص) قال: ألت أولی بالمؤمنین من أنفسهم، قالوا: بلی یا رسول الله، فأخذ بيد علی فقال: من كنت مولاه فهذا علی مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وأحب من أحبه، وأبغض من أبغضه، وانصر من نصره، واخذل من خذله. قال أبو إسحاق حين فرغ من الحديث: يا أبا بكر، أى أشياخ هم؟ (۶۳)

ترجمه: شنیدیم علی (ع) مردم را در رحبة [محلّی در کوفه] قسم می‌داد به آنچه در زمان رسول خدا (ص) در غدیر خم شاهد بوده‌اند تا گفتار پیامبر را در غدیر بازگو کنند. پس سیزده نفر برخاستند و شهادت دادند که از رسول خدا (ص) شنیده‌اند که می‌گفت: آیا من از مومنان به خودشان اولی نیستم؟ گفتند: چنین است ای پیامبر خدا. پس دست علی را بلند کرد و گفت: هرکس که من مولای او هستم پس علی هم مولای اوست. خدایا دوست بدار آن که او را دوست می‌دارد، و دشمن بدار آن که او را دشمن می‌دارد، و محبوبدار آن که او را محبوب می‌دارد و مبغوض بدار آن که او را مبغوض داشته، و یاری کن آنکه او را یاری کرده و خوار کن آن

که او را خوار کرده است. وقتی ابواسحاق حدیث را به پایان برد پرسید: آن شیوخ [سیزده گانه] چه کسانی بودند؟

بررسی: در کتب منتخب شیعه روایت زید بن ارقم را برای نخستین بار صدوق به نقل از عامر بن واثله در کمال الدین نقل کرد، که حدیث ثقلین را هم در برمی گرفت. حدیث امالی طوسی از روایت زید بن ارقم به نقل از حبیب بنی بدی تنها ولایت علی را دارد. متن روایت امالی همان روایت دوم کتاب مسند احمد بن حنبل است. روایت ابوسعید خدری از پیامبر (ص) در مورد غدیر خم در کتب منتخب شیعه نخستین بار در امالی طوسی آمده است. متن مختصر روایت أبو سعید خدری از حدیث ولایت در غدیر خم قبلاً در انساب الاشراف بلاذری (حدیث پنجم) آمده بود. متن خطبه غدیر در این روایت امالی منحصر به ولایت علی بن ابی طالب (ع) است و فاقد حدیث ثقلین می باشد. البته شیخ طوسی به نقل از عطیه کوفی روایت ابی سعید خدری از حدیث ثقلین پیامبر (ص) را بدون اشاره به غدیر خم نیز روایت کرده است. (۶۴) روایت انس بن مالک از پیامبر (ص) هم در مورد غدیر خم در کتب منتخب نخستین بار در امالی طوسی آمده است. این روایت نیز فاقد حدیث ثقلین است. انشاد علی بن ابی طالب (ع) در کتب اهل سنت در مسند احمد بن حنبل و سنن نسائی آمده بود. متن روایت امالی با اختلاف جزئی در عبارت همان روایت مسند احمد بن حنبل است. در کتب منتخب شیعه این نخستین نقل این روایت است.

امالی طوسی با چهار روایت متفاوت از خطبه غدیر خم یعنی روایات زید بن ارقم، ابوسعید خدری، انس بن مالک و علی بن ابی طالب (ع) متنوع ترین گزارش در منابع منتخب شیعی است. دو روایت برای نخستین بار (روایت انس بن مالک، و متن مفصل تر روایت ابوسعید خدری) در بین کتب منتخب در این کتاب نقل شده است. در عین حال متن روایت زید بن ارقم در کمال الدین صدوق به تبع انساب الاشراف بلاذری و سنن نسائی از متن امالی طوسی اضافاتی دارد. خطبه غدیر خم پیامبر (ص) روایت شده در این احادیث با متن ایضاح

فضل بن شاذان و کلینی سازگار است. در این سه منبع خطبه غدیر منحصر در حدیث ولایت و فاقد حدیث ثقلین است.



جمع بندی کتب شیعه

در شش کتاب منتخب شیعی، سه کتاب گزارش خود را درباره غدیر خم بدون ذکر منبع آورده‌اند: ایضاح فضل بن شاذان، تاریخ یعقوبی و ارشاد مفید. گزارش سه کتاب مستند به سلسله سند از مولف کتاب تا پیامبر (ص) است: کافی کلینی، کمال الدین صدوق و امالی طوسی. متن خطبه غدیر خم پیامبر (ص) در منابع شش‌گانه سه گونه روایت شده است: گونه اول منحصر در اولویت پیامبر بر مردم نسبت به خودشان، اعلام ولایت علی بن ابی طالب و چند دعا. این گونه در سه کتاب ذیل نقل شده بود: ایضاح فضل بن شاذان، کافی کلینی، و امالی طوسی؛ گونه دوم حدیث ثقلین به عنوان خطبه غدیر: کمال الدین صدوق (روایت دوم)؛ گونه سوم مجموع دو متن قبلی: تاریخ یعقوبی، و کمال الدین صدوق (روایت اول).

در کتب منتخب شیعی که مستندات خطبه غدیر خم را آورده‌اند مجموعاً روایت پنج نفر از صحابه‌ای که مستقیماً خطبه را از زبان پیامبر شنیده‌اند به چشم می‌خورد: گونه اول: چهار روایت در امالی طوسی: زید بن ارقم، ابوسعید خدری، انس بن مالک، و انشاد علی بن ابی طالب؛ گونه دوم: روایت امام محمد باقر (ع) از جابر بن عبدالله انصاری (کمال الدین صدوق)؛ گونه سوم: روایت عامر بن واثله از زید بن ارقم (کمال الدین صدوق). البته اختلاف جزئی عبارتی در هر روایت را نباید فراموش کرد.

در مقایسه با خطبه غدیر خم به روایت اهل سنت هر سه گونه مشابه دارد. گونه اول: مسند احمد بن حنبل، سنن ابن ماجه، انساب الاشراف بلاذری، سنن ترمذی و سنن نسائی؛ گونه دوم: مسند احمد بن حنبل، صحیح مسلم و سنن ترمذی؛ گونه سوم: انساب الاشراف بلاذری و سنن کبرای نسائی. در مجموع در دوازده کتاب اقدم معتبر سنی و شیعه در نقل مستند خطبه غدیر خم پیامبر (ص) بین سنی و شیعه اتفاق نظر کامل است!

در ایضاح فضل بن شاذان به سم‌پاشی بدخواهان علیه علی بن ابی طالب در آن زمان و به اقدام پیامبر برای مقابله با این سم‌پاشی‌ها سربسته اشاره می‌کند. در کافی کلینی این نکته تشریح شده است: «اولاً با نزول آیه ۵۵ مائده که درباره ولایه علی بود، خداوند به محمد (ص) فرمان داد که ولایت را برایشان تفسیر کند. پیامبر ترسید که آنان از دین برگشته او را تکذیب کنند، پس دلتنگ شده برای مشورت به خداوند مراجعه کرد. آیه ۶۷ سوره مائده نازل شد. ثانیاً آن گاه خار نفاق در دل مردمان افتاده، گفتند: خداوند یاد هرگز آن را بر محمد نازل نکرده است. و او جز این که دست پسر عمویش را بالا ببرد چیزی نمی‌خواهد. ثالثاً پیامبر اموال اهدایی مردم مدینه را نپذیرفت " قل لا أسألكم علیه أجراً إلا المودة فی القربی (شوری ۲۳) آن گاه منافقان گفتند: خداوند این را بر محمد نازل نکرده است. و او می‌خواهد جایگاه پسرعمویش را بالا برده، خاندانش را بر ما تحمیل کند. دیروز می‌گفت: هر که من مولای اویم، علی مولای او است و امروز می‌گوید: «بگو من از شما برای آن جز دوستی با نزدیکانم مزدی نمی‌خواهم.» اما در ارشاد مفید هیچیک از نکات فوق الذکر کافی مطرح نشده است. نکته مهم: سند سه روایت کافی که نکات فوق را ذکر کرده‌اند معتبر نیست!

در هیچیک از کتب منتخب شیعه باب یا فصلی مخصوص خطبه پیامبر (ص) در غدیر خم منعقد نشده است. در هیچیک از کتب روایی منتخب شیعه روایات مرتبط با این واقعه کنار هم گردآورده نشده است. به نظر می‌رسد مسئله ولایت امیرالمؤمنین (ع) به میزانی از وضوح و بدهات بوده است که عالمان شیعه نیازی به اهتمام در روایت شافی و وافی خطبه غدیر خم پیامبر (ص) نیافته‌اند. هیچ عالم شیعی شناخته‌شده‌ای در مقطع تاریخی یادشده (تا اواسط قرن پنجم) رساله منفردی درباره خطبه غدیر خم ننوشته است، به نحوی که رساله‌اش بجا مانده در دست ما موجود باشد. اهتمام بسیاری نویسندگان شیعه متوجه حواشی واقعه و شاخ و برگهایی است که توسط غلات در احادیث بی اعتبار یا مجعول یا مشکوک نقل شده است.

متن خطبه غدیر خم پیامبر (ص) که می‌توان گفت در مقطع تاریخی یادشده و بر اساس کتب منتخب معتبر اقدم با کمی تسامح در متن مورد اتفاق تشیع است عبارات زیر است: قال رسول الله (ص) فی حجة الوداع فی غدیر خم: «کأنتی قد دعیت فأجبت، إني ترکت فیکم الثقلین، ما إن تمسکتُم به لن تضلوا أبدا، أحدهما أكبر من الآخر، کتاب الله وعترتی أهل بیتی، فانظروا کیف تخلفونی فیهما، فإِنَّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض، ثمّ قال: أَلست أُولی بالمؤمنین من أنفُسهم؟ قالوا: بلی یا رسول الله، فأخذ بید علی، فقال: من کنت مولاه فهذا علی مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله.» هریک از عبارات این خطبه شناسنامه مشخصی در کتب یادشده دارد. تمام این عبارات در میان شیعه هم یکسان نقل نشده است. اما اجمالا مورد پذیرش است. اگر کسی ادعای عبارات بیشتری در خطبه غدیر خم پیامبر (ص) دارد می‌باید ادعای خود را با سند معتبر عرضه کند.

سخن آخر

بر اساس منابع منتخب که اقدم کتب معتبر سنی و شیعه بودند می‌توان گفت: رسول خدا (ص) یقینا در حجة الوداع در غدیر خم در حضور انبوه مسلمانان خطبه خوانده است. مفاد اصلی این خطبه یقینا درباره ولایت علی

بن ابی طالب (ع) بوده است. علاوه بر آن مطمئناً پیامبر درباره ثقلین - کتاب خدا و عترت و اهل بیتش - در حجة الودع بیش از یک بار سخن گفته از جمله در غدیر خم. یقیناً مسلمانان خطبه پیامبر (ص) در این دو محور را شنیده‌اند. بنابراین در اصل صدور خطبه در حد فوق کمترین تردیدی نیست. منابع اهل سنت و شیعه خطبه فوق را به تفصیلی که گذشت روایت کرده‌اند. تا اینجا را من در مقال بحث کردم.

اکثریت مسلمانان یعنی اهل سنت مفاد خطبه پیامبر (ص) را به گونه‌ای معنی کردند که هیچ تاثیری در شاکله معرفت اسلامی و جانشینی پیامبر نداشت. شیعیان که هم آن زمان و هم تا امروز در اقلیت بوده و هستند خطبه پیامبر (ص) را به گونه‌ای درک کردند که پیامبر در این این خطبه نه تنها شاکله معرفت اسلامی را از طریق معرفی ثقلین برای پیروانش تعیین کرده، بلکه سمت و سوی جانشینی سیاسی خود را نیز مشخص کرده است. فهم تشیع با خطبه پیامبر (ص) - مطابق تحقیق موجود - منطبق است، و به نظر می‌رسد اهل سنت به مفاد این خطبه مهم توجه و عمل نکردند. چرا؟ گفته شده علی بن ابی طالب (ع) جوان بود (در زمان رحلت پیامبر ۳۳ ساله بود) و بسیاری از تازه مسلمانها هنوز کینه کشتگانشان را در جنگهای زمان پیامبر (ص) با شمشیر علی (ع) به خاطر داشتند. رسوم و مناسبات قبایلی عرب هنوز از دل‌هایشان ریشه‌کن نشده بود. این امور بر وصایای نبوی تقدم یافت. در این زمینه یعنی سیر تحول معنای خطبه غدیر خم و زمینه سیاسی اجتماعی زمان رحلت پیامبر (ع) در مقال و مجالی دیگر بحث خواهم کرد.

شیعه شرمنده نباشیم. ما به پیروی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) افتخار می‌کنیم و معتقدیم به وصیت رسول خدا (ص) در غدیر خم در تمسک به ثقلین عمل کرده و ولایت علی (ع) را پذیرفته‌ایم. ما امام علی (ع) را باب علم نبی (ص) می‌دانیم. البته اینکه در عمل چگونه شیعه‌ای بوده و هستیم بحث دیگری است! لذا خداوند را با این دعا شکر می‌گوئیم: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. والسلام.

یادداشت‌ها

۱. جدیدترین تحقیق کتاب: موسوعه الغدير في الكتاب والسنة والادب، تحقيق مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، باشراف السيد محمود الهاشمي الشاهرودي، قم، مؤسسه دائره معارف الفقه الاسلامي طبقا لمذهب اهل البيت (ع)، ۱۳۸۸ش، ۱۴ جلد (شامل يك جلد مقدمه، دو جلد فارس فني و يازده جلد متن كتاب).
۲. ابومنصور احمد بن علي الطبرسي، الاحتجاج، تحقيق ابراهيم بهادري و محمد هادي به، باشراف الشيخ جعفر السبحاني، انتشارات اسوة التابعة لمنظمة الأوقاف والشئون الخيرية، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۱ ص ۱۳۸-۱۶۰.
۳. محمد بن فتال النيشابوري، روضة الواعظين، تحقيق غلامحسين المجيدي و مجتبی الفرجی، قم، دليل ما، ۱۳۸۱ش، ص ۲۱۵-۲۳۵.
۴. مسند الامام احمد بن حنبل، المشرف العام على إصدارها الدكتور عبدالله بن عبدالمحسن التركي، المشرف على تحقیقها و تخریج نصوصها والتعليق عليها شعيب الارنوط، مؤسسه الرساله، بيروت، ۱۴۱۳ق، ۵۰ جلد.
۵. پیشین، حدیث ۶۴۱، جلد ۲، صفحه ۷۱.
۶. پیشین، ح ۹۶۱، ج ۲، ص ۲۶۹.
۷. پیشین، ح ۹۶۴، ج ۲، ص ۲۷۱-۲۷۰.
۸. پیشین، ح ۱۹۳۰۲، ج ۳۲، ص ۵۵-۵۸.
۹. پیشین، ح ۲۳۵۶۳، ج ۳۸، ص ۵۴۱-۵۴۲.
۱۰. پیشین، ح ۱۸۴۷۹، ج ۳۰، ص ۴۳۰.
۱۱. پیشین، ح ۱۸۴۸۰، ج ۳۰، ص ۴۳۱.
۱۲. پیشین، ح ۱۹۲۷۹، ج ۳۳، ص ۲۹-۳۰.
۱۳. پیشین، ح ۱۹۳۲۵، ج ۳۳، ص ۷۳-۷۴.
۱۴. پیشین، ح ۱۹۳۲۸۷، ج ۳۳، ص ۷۵-۷۶.
۱۵. پیشین، ح ۱۹۲۶۵، ج ۳۳، ص ۱۰-۱۲.

۱۶. پیشین، ح ۱۱۱۰۴، ج ۱۷، ص ۱۶۹-۱۷۵.
۱۷. بحث رجالی در اینجا و ذیل هر روایت برگرفته از توضیحات مفید در تعلیقات نسخه فوق الذکر مسند احمد بن حنبل است.
۱۸. صحیح مسلم، و فی طلیعته غایة الابتهاج، طبع ابوقتیبة نظر محمد الفاریابی، دارطیبة، الرياض، ۱۴۲۶ق، دو مجلد بزرگ.
۱۹. پیشین، کتاب فضائل الصحابة، باب فضائل علی رضی الله عنه، ح ۲۴۰۸، ص ۱۱۳۰.
۲۰. پیشین، کتاب الحج، باب حجة النبی (ص)، ح ۱۲۱۸، ص ۵۵۸.
۲۱. سنن ابوداود، حقه و ضبط نصح و خرج احادیثه و علق علیه شعيب الارنوط، محمد کامل قره بللی و عبداللطیف حرزالله، دارالرسالة العالمية، دمشق، ۱۴۳۰ق، کتاب الادب، باب ۸۰ الرجل يقول: اما بعد، ح ۴۹۷۳، ج ۷ ص ۳۲۹.
۲۱. صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابة، باب فضائل علی رضی الله عنه، ح ۲۴۰۸، ص ۱۱۳۰.
۲۲. سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، دار احیاء الکتب العربیة، بی جا، بی تا، باب فی فضائل اصحاب رسول الله (ص)، فضل علی بن ابی طالب رضی الله عنه، ح ۱۱۶، ص ۴۳.
۲۳. پیشین، ح ۱۲۱ ص ۴۵.
۲۴. انساب الاشراف، تحقیق و تعلیق محمد باقر المحمودی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۴ق، ۵ مجلد.
۲۵. پیشین، ح ۴۵، ج ۲ ص ۱۰۸.
۲۶. پیشین، ح ۴۶ ج ۲ ص ۱۰۸-۱۰۹، و ح ۴۷ ص ۱۱۰.
۲۷. پیشین، ح ۴۸، ج ۲، ص ۱۱۰-۱۱۱.
۲۸. پیشین، ح ۴۹، ج ۲ ص ۱۱۲.
۲۹. پیشین، ح ۵۰، ج ۲ ص ۱۱۲.
۳۰. الجامع الكبير للامام الترمذی، حقه و خرج احادیثه و علق علیه الدكتور بشار عواد معروف، دارالغرب الاسلامی، بیروت، ۱۹۹۶م، ۶ جلد.
۳۱. پیشین، باب مناقب علی بن ابی طالب رضی الله عنه، ح ۳۷۱۳، ج ۶ ص ۹۷.
۳۲. پیشین، باب مناقب أهل بیت النبی صلی الله علیه وسلم، ح ۳۷۸۶، ج ۶، ص ۱۲۴.
۳۳. پیشین، ح ۳۷۸۸، ج ۶، ص ۱۲۵.
۳۴. پیشین، ح ۳۷۸۷، ج ۶ ص ۱۲۵.
۳۵. السنن الكبرى للنسائی، اشرف علیه شعب الارنوط، حقه و خرج احادیثه حسن عبدالمنعم سلبی، مؤسسه الرسالة، بیروت، ۱۴۲۱ق، ۱۲ جلد.
۳۶. پیشین، ح ۸۴۲۴، ج ۷، ص ۴۴۲-۴۴۱.
۳۷. پیشین، باب ۱۷، ح ۸۴۱۹ ص ۴۳۹؛ احادیث مشابه: ابی إسحاق عن سعید بن وهب: ح ۸۴۲۹ ص ۴۴۴؛ و ابواسحاق عن عمرو ذی مرّ: ح ۸۴۳۰ ص ۴۴۴-۴۴۵.
۳۸. پیشین، کتاب المناقب، ح ۸۰۹۲ و ۸۴۱۰، ج ۷، ص ۳۱۰ و ۴۳۶-۴۳۷.
۳۹. پیشین، باب ۱۷، ح ۸۴۱۵، ج ۷، ص ۴۳۸.

۴۰. پیشین، ج ۷، ص ۴۴۳؛ احادیث مشابه: ح ۸۴۲۵ و ۸۴۲۶، ص ۴۴۲؛ و ح ۸۳۴۰ ص ۴۰۹-۴۱۰.
۴۱. ذهبی، سیر اعلام النبلاء ج ۸ ص ۳۳۵؛ سیوطی، الازهار المتناثرة فی الاحادیث المتواترة، رقم ۱۰۰.
۴۲. حدیث چهارم از روایت اول مسند احمد بن حنبل (روایت ابی طفیل)، روایت دوم مسند بن حنبل (روایت ریاح بن حرث از ابی ایوب انصاری در رحبة)؛ روایت صحیح مسلم (یزید بن حیان عن زید بن ارقم)؛ همین روایت در سنن ابی داود.
۴۳. البته کتب اقدم دیگری در منابع شیعی هست که درباره اعتبار احادیثشان بحث است. لذا به آنها پرداخته نشد. کتبی از قبیل: کتاب سلیم بن قیس هلالی (م ۷۶)، تفسیر الامام العسکری (م ۲۶۰)، تفسیر علی بن ابراهیم قمی (م ۳۰۷)، قرب الاسناد حمیری (قرن ۳ و ۴)، تفسیر عیاشی سمرقندی (م ۳۲۰)، تفسیر الفرات الکوفی (م ۳۵۲).
۴۴. واضح است که مراد روایاتی در عبادات استحبابی عید غدیر خم نیست!
۴۵. در دو کتاب دیگر سید رضی یعنی المجازات النبویة و خصائص الائمة هم مطلبی در این زمینه یافت نشد.
۴۶. الفضل بن شاذان الازدی، الايضاح، تصحیح السید جلال الدین الحسینی الارموی المحدث، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، ۱۴۳۰ق، ص ۹۹.
۴۷. پیشین، ص ۳۳۴.
۴۸. تاریخ یعقوبی، تحقیق عبدالامیر مهنا، شركة الاعلامی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۴۴۲-۴۴۳.
۴۹. تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۵۰۸-۵۰۹، با جزئی ویرایش.
۵۰. الكلینی، الکافی، کتاب الحجّة، باب ما نص الله عز وجل ورسوله على الأئمة عليهم السلام واحدا فواحدا، ح ۱، تصحیح علی اکبر الغفاری، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۳ش، ج ۱ ص ۲۸۶-۲۸۸.
۵۱. پیشین، ج ۴، ص ۲۸۹.
۵۲. پیشین، باب الإشارة والنص على امیرالمومنین (ع)، ح ۳، ج ۱ ص ۲۹۵. در ترجمه این روایت کافی از ترجمه صادق حسن زاده استفاده شده با جزئی ویرایش.
۵۳. پیشین، الروضة، ج ۴، ص ۲۷. در ترجمه این روایت روضه کافی از ترجمه حمید رضا آژیر استفاده شده با جزئی ویرایش.
۵۴. محمد باقر بهبودی، صحیح الکافی؛ و محمد باقر مجلسی، مرآت العقول، ذیل روایات مربوطه.
۵۵. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۲۹ق، باب ۲۲، ح ۴۵ و ۵۵، ج ۱ ص ۲۶۶ و نیز ص ۲۶۹.
۵۶. پیشین، باب ۲۲، ح ۵۳، ج ۱ ص ۲۶۸.
۵۷. موسوعة الشيخ المفید ج ۱۱، الارشاد فی معرفة حجج الله على العباد، تحقیق مؤسسه آل البيت (ع) لتحقیق التراث، دارالمفید، قم، ۱۳۸۹ش، ج ۱ ص ۱۷۴-۱۷۹. در ترجمه متن از ترجمه و شرح فارسی محمدباقر ساعدی خراسانی؛ بتصحیح محمدباقر بهبودی (تهران، اسلامیه، ۱۳۸۵ ص ۱۷۴-۱۵۹) با جزئی ویرایش استفاده شده است.
۵۸. به تلخیص این قسمت اکتفا کردم و از نقل یا ترجمه متن ارشاد از خوف طولانی شدن مقاله پرهیز کردم.
۵۹. امالی الطوسی، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیة، مؤسسه البعثة، قم، ۱۴۱۴ق.
۶۰. پیشین، مجلس ۹، حدیث ۴۸/۴۵۶، ج ۱، ص ۲۵۴.

بازخوانی خطبه پیامبر در غدیر خم

۶۱. پیشین، م، ۹، ح ۲۵/۴۳۳، ج ۱ ص ۲۴۷.

۶۲. پیشین، م، ۱۱، ح ۴/۶۶۴، ج ۱ ص ۳۳۲.

۶۳. پیشین، م، ۹، ح ۵۱/۴۵۹، ج ۱ ص ۲۵۵.

۶۴. پیشین، م، ۹، ح ۴۶۰ / ۵۲، ج ۱ ص ۲۵۵.

تحریر متن سخنرانی مورخ شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۶، ۱۸ ذیحجه ۱۴۳۸، ۹ سپتامبر ۲۰۱۷ در بنیاد

اسلامی و فرهنگی ایران، هیوستون تگزاس، به مناسبت عید غدیر خم



kadivar.mohsen59@gmail.com

<http://kadivar.com/?p=16231>

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.